

اهدا

هدیه به روح پاک و مطهر بزرگ آموزگار
بشریت حضرت ختم مرتبت، پیامبر اسلام (ص)

حمد و سپاس

من لم يشكر المخلوق لم يشكر الخالق

شایسته است که در آغاز از همه کسانی که در به
ثمر رسیدن این پژوهش زحماتی را متحمل شده‌اند تشکر
و سپاس‌گزاری نمایم، به ویژه از استاد ارجمند؛ دکتر
فلاح‌زاده که زحمت راهنمایی این پژوهش را پذیرفتند و
استاد محترم دکتر ستاری که مسئولیت مشاوره آن را قبول
نمودند کمال امتنان و سپاس‌گزاری را به جا آورم.
همچنین از همسر مهربانم که در طی تحقیق و
تدوین این اثر همه زحمات زندگی را به دوش کشیدند،
سپاس‌گزاری نمایم.

چکیده

آموزش عمری به درازای عمر جامعه بشری دارد و انسان‌ها برای انتقال تجربیات و اندوخته‌های معرفتی خود به دیگران نیاز به آموزش داشته‌اند، به همین دلیل، با روش‌های اشاره، نقاشی، گفتار و نوشتار به آموزش می‌پرداخته‌اند، جوامع و دولت‌های متمدن دارای روش‌های آموزشی مخصوص خود بوده‌اند که تقریباً از سیستم یکسانی برخوردار بوده‌اند.

در میان جوامع بشری، پیامبران به ویژه پیامبر اسلام به عنوان آموزگاران الهی دارای اهمیت خاصی هستند. به همین دلیل، بررسی سیره و روش آموزشی ایشان مفید و ضروری می‌نماید. موضوع این اصلی این پژوهش «بررسی سیره آموزشی پیامبر اسلام (ص)» می‌باشد.

سؤال اصلی که در این باره مطرح شده این است که آموزش در سیر رسول خدا (ص) چه جایگاهی داشته و سیره آموزشی آن حضرت دارای چه ویژگی‌های است؟

فرضیه پیشنهادی ما این است که حضرت محمد (ص) به عنوان پیامبر الهی و خاتم آنان اهتمام گسترده به امور آموزش داشته و سیره آموزشی ایشان دارای اهداف، شیوه و قلمرو ویژه بوده است.

برای پاسخ به این پرسش؛ پژوهش حاضر در چهار فصل به بحث پرداخته است: فصل اول: جایگاه و تاریخچه آموزش در تمدن‌ها و ادیان گذشته. در این فصل آموزش در تمدن‌های چین، هند، ایران، یونان، روم، مصر و عربستان عصر جاهلی و در ادیان (زرتشت، یهود، مسیحیت و قرآن) پرداخته است.

در فصل دوم جایگاه علم، معلم و متعلم و نیز اهداف آموزشی پیامبر (ص) بررسی گردیده است.

در فصل سوم روش‌ها و قالب‌های آموزشی در سیره پیامبر (ص) مطرح گردیده است و در نهایت در فصل چهارم گستره و قلمرو آموزش پیامبر (ص) و تجهیزات آموزشی ایشان مورد بحث قرار گرفته است. و در پایان چنین استنباط می‌گردد که پیامبر (ص) دارای سیره آموزشی خاصی بوده ضمن اهمیت دادن به آموزش از اهداف، روش و چارچوب برخوردار بوده است و آموزش‌های او دارای گستره وسیع بوده و از تجهیزات آموزشی نیز بهره برده‌اند.

واژگان کلیدی: سیره، پیامبر اسلام، آموزش، تمدن، روش، مخاطبان، تاریخچه آموزش و ...

فهرست مطالب

طرح تفصیلی پژوهش

2	مقدمه
4	بیان مسئله
5	علت انتخاب موضوع
5	اهمیت و ضرورت موضوع
6	هدف و فایده تحقیق
6	سابقه پژوهش
8	سؤال اصلی پژوهش
8	سوالات فرعی
8	فرضیه پژوهش
9	مفاهیم
9	سیره
9	آموزش
10	روش
10	قلمرو
10	مخاطب
10	تجهیزات
11	روش پژوهش
11	تجزیه و تحلیل اطلاعات
11	سازمان دهی مطالب
فصل اول: اهمیت و تاریخچه آموزش در تمدن‌ها و ادیان مختلف	
14	گفتار اول: اهمیت و تاریخچه آموزش در تمدن‌ها
14	تعلیم و تربیت در چین باستان

18.....	آموزش در هندوستان
22.....	آموزش در ایران باستان
25.....	آموزش در یونان باستان
26.....	دوره اول: دوره قدیم
26.....	آموزش در اسپارت
27.....	آموزش در آتن
28.....	دوره تحصیلی
29.....	دوره دوم
36.....	روم
36.....	دوره اول
37.....	دوره دوم: بعد از فتح یونان
39.....	آموزش در مصر باستان
41.....	آموزش در قرون وسطی
43.....	کلیسای مسیحی و آموزش
46.....	آموزش در عربستان عصر جاهلی
48.....	گفتار دوم: آموزش در ادیان
48.....	آموزش در آیین زرتشت
49.....	آموزش در یهود
51.....	آموزش در مسیحیت
52.....	آموزش در اسلام و قرآن کریم
53.....	اولین آموزگار
53.....	سوگند به قلم
53.....	آموزش سرلوحه برنامه انبیا
54.....	حضرت موسی (ع) و فراگیری دانش
55.....	انبیا در دو نقش

فصل دوم: اهمیت، جایگاه و اهداف آموزش در سیره پیامبر (ص)

گفتار اول: اهمیت آموزش در سیره پیامبر (ص). Error! Bookmark not defined.

الف) اهمیت و ارزش تعلیم و آموزش..... Error! Bookmark not defined.

و جوب کسب علم بر مسلمانان..... Error! Bookmark not defined.

آموزش شرط آزادی اسرا..... Error! Bookmark not defined.

آموزش سرلوحه زندگی..... Error! Bookmark not defined.

دانش مایه وقار و آرامش..... Error! Bookmark not defined.

پاداش دانش طلبی..... Error! Bookmark not defined.

محدودیت جنسی در آموزش..... Error! Bookmark not defined.

محدودیت زمانی و مکانی آموزش..... Error! Bookmark not defined.

متکی بودن به دیگران..... Error! Bookmark not defined.

اولویت‌های زمانی آموزش..... Error! Bookmark not defined.

طفولیت و تعلیم..... Error! Bookmark not defined.

نکوهش: خودداری از آموزش و کتمان علم..... Error! Bookmark not defined.

انزجار از جهل و نادانی..... Error! Bookmark not defined.

ب) جایگاه معلم (آموزگار) در سیره پیامبر (ص)..... Error! Bookmark not defined.
defined.

آموختن حکمت ارزشمندترین هدیه..... Error! Bookmark not defined.

پاداش آموزگار..... Error! Bookmark not defined.

آموزگار جانشین پیامبر (ص)..... Error! Bookmark not defined.

شرط عامل بودن آموزگاران..... Error! Bookmark not defined.

ج) جایگاه متعلم (فراگیر) در سیره پیامبر (ص)..... Error! Bookmark not defined.
defined.

پاداش دانش آموز..... Error! Bookmark not defined.

جایگاه فراگیر دانش در میان مردم..... Error! Bookmark not defined.

اهمیت دانش آموز..... Error! Bookmark not defined.

Error! Bookmark not defined.....خدا محورى در كسب دانش

گفتار دوم: اهداف آموزش در سیره پیامبر (ص)

Error! Bookmark not defined..... هدف

Error! Bookmark not defined..... مفهوم هدف در آموزش و پرورش

Error! Bookmark not defined..... طبقه بندى اهداف آموزش و تربیتى در اسلام و سیره نبوى
not defined.

Error! Bookmark not defined..... غایت

Error! Bookmark not defined..... معنای فلسفی غایت

Error! Bookmark not defined..... هدف غایی

Error! Bookmark not defined..... هدف غایی آموزش در اسلام و سیره

Error! Bookmark not defined..... روابط انسان

Error! Bookmark not defined..... 1. ارتباط انسان و خدا

Error! Bookmark not defined..... 1. معرفت

Error! Bookmark not defined..... 2. ایمان

Error! Bookmark not defined..... 3. تقوا

Error! Bookmark not defined..... 4. مقام رضوان

Error! Bookmark not defined..... 5. عبادت و عبودیت

Error! Bookmark not defined..... 2. رابطه انسان با جهان

Error! Bookmark not defined..... 3. رابطه انسان با دیگر انسان ها

Error! Bookmark not defined..... 4. رابطه انسان با خویشان

Error! Bookmark not defined..... 5. رابطه انسان با جهان آخرت

فصل سوم: ویژگی‌ها و روش‌های آموزش در سیره پیامبر (ص)

Error! Bookmark not defined..... **گفتار اول: ویژگی‌های آموزش در سیره پیامبر**

Error! Bookmark not defined..... 1. استقامت و پایداری

Error! Bookmark not defined..... 2. مهرورزی و شفقت

3. توجه به تفاوت‌های فکری و اختلافات استعدادی افراد و گروه‌ها.....*Error!*

Bookmark not defined.

Error! Bookmark not defined......معنای حکمت، موعظه و مجادله

Error! Bookmark not defined......بحث حدیثی

4. ایجاد انگیزه.....*Error! Bookmark not defined.*

.....تقسیم انگیزه.....*Error! Bookmark not defined.*

.....ایجاد سؤال.....*Error! Bookmark not defined.*

.....بیان ارزش علم و آگاهی.....*Error! Bookmark not defined.*

.....بیان جایگاه ارجمند عالم، معلم و متعلم.....*Error! Bookmark not defined.*

.....ارزش عالم.....*Error! Bookmark not defined.*

.....ارزش آموزگار و فراگیر.....*Error! Bookmark not defined.*

5. روانی و اعتدال در بیان.....*Error! Bookmark not defined.*

6. استفاده از فرصت‌ها.....*Error! Bookmark not defined.*

7. رعایت احترام فردی.....*Error! Bookmark not defined.*

8. رعایت عدالت و برابری.....*Error! Bookmark not defined.*

9. حس‌سازی.....*Error! Bookmark not defined.*

گفتار دوم: روش‌های آموزش.....*Error! Bookmark not defined.*

.....معنای لغوی روش.....*Error! Bookmark not defined.*

1. روش آموزش عملی.....*Error! Bookmark not defined.*

2. روش آموزش گفتاری.....*Error! Bookmark not defined.*

1-2. روش خطابه.....*Error! Bookmark not defined.*

.....نمونه‌ها.....*Error! Bookmark not defined.*

.....فرق خطبه و سخنرانی.....*Error! Bookmark not defined.*

2-2. روش پرسش و پاسخ.....*Error! Bookmark not defined.*

.....فواید پرسش و پاسخ.....*Error! Bookmark not defined.*

Error! Bookmark not defined.....	2-3. روش مناظره.....
Error! Bookmark not defined.....	انواع مناظره.....
Error! Bookmark not defined.....	اجتناب از مرء در سیره پیامبر(ص).....
Error! Bookmark not defined.....	مناظره در سیره پیامبر(ص).....
Error! Bookmark not defined.....	مناظره با یهود.....
Error! Bookmark not defined.....	2-4. روش قصه گویی.....
Error! Bookmark not defined.....	2-5. سفارشات.....
Error! Bookmark not defined.....	2-5. روش نکته آموزی.....
Error! Bookmark not defined.....	رسول اکرم(ص) و دو حلقه جمعیت.....
Error! Bookmark not defined.....	دانش‌های مفید.....
<i>Error! Bookmark not defined.....</i>	<i>3. روش نوشتاری.....</i>
Error! Bookmark not defined.....	1. املاها.....
Error! Bookmark not defined.....	2. نامه‌ها.....
Error! Bookmark not defined.....	2-1. نامه‌ای پیامبر(ص) به خسرو پرویز.....
Error! Bookmark not defined.....	2-2. نامه‌های که برای امرا و استانداران نوشته شده است.....
Error! Bookmark not defined.....	2-3. نامه‌های پیامبر(ص) به اشخاص و افراد.....
Error! Bookmark not defined.....	نامه پیامبر(ص) به دخترش فاطمه زهرا.....
Error! Bookmark not defined.....	نامه پیامبر(ص) به معاذ بن جبل هنگامی که فرزندش درگذشت... ..
Error! Bookmark not defined.....	نامه پیامبر(ص) به نابینا و ناشنوا.....
Error! Bookmark not defined.....	3. پیمان نامه‌ها و معاهدات.....
Error! Bookmark not defined.....	صلح نامه حدیبیه.....
Error! Bookmark not defined.....	امان نامه برای قبیله بنی عادیا از یهودیان تیما.....
<i>Error! Bookmark not defined.....</i>	<i>محتوای آموزشی پیامبر(ص).....</i>
Error! Bookmark not defined.....	1. آیات قرآن کریم.....
Error! Bookmark not defined.....	استمداد مشرکین از علمای یهود.....

2. حدیث..... Error! Bookmark not defined.

3. احکام عملی..... Error! Bookmark not defined.

فصل چهارم: قلمرو آموزش در سیره پیامبر (ص)

گفتار اول: قلمرو آموزش در سیره پیامبر (ص)..... Error! Bookmark not defined.

قلمرو محتوایی..... Error! Bookmark not defined.

1. اعتقادی..... Error! Bookmark not defined.

ایمان در قرآن..... Error! Bookmark not defined.

ایمان در حدیث..... Error! Bookmark not defined.

2. اخلاق..... Error! Bookmark not defined.

شبهه ترین مردم به پیامبر (ص)..... Error! Bookmark not defined.

پیامبر و آموزش های اخلاقی..... Error! Bookmark not defined.

بیان آثار زیبایی ها و زشتی های اخلاقی..... Error! Bookmark not defined.

آثار تواضع..... Error! Bookmark not defined.

آثار صلۀ رحم..... Error! Bookmark not defined.

ثمره حسد..... Error! Bookmark not defined.

3. طبی بهداشتی..... Error! Bookmark not defined.

طهارت و نظافت..... Error! Bookmark not defined.

انواع بهداشت..... Error! Bookmark not defined.

1. بهداشت فردی..... Error! Bookmark not defined.

بهداشت دهان و دندان..... Error! Bookmark not defined.

اصلاح ناخن و ستردن موهای زاید..... Error! Bookmark not defined.

شستن دست قبل از غذا..... Error! Bookmark not defined.

2. بهداشت جمعی..... Error! Bookmark not defined.

4. اجتماعی..... Error! Bookmark not defined.

الف) خانواده..... Error! Bookmark not defined.

حق زن بر شوهر..... Error! Bookmark not defined.

1. پرداخت نفقه و گذشت..... Error! Bookmark not defined.

Error! Bookmark not defined.....	2. مهربانی و رأفت
Error! Bookmark not defined.....	3. اجتناب از خشونت
Error! Bookmark not defined.....	حقوق همسران
Error! Bookmark not defined.....	3. حق فرزند بر والدین
Error! Bookmark not defined.....	وظیفه پدر در برابر فرزند
Error! Bookmark not defined.....	4. حقوق والدین
Error! Bookmark not defined.....	5. حقوق خویشاوندان
Error! Bookmark not defined.....	قاطع صله رحم در قرآن
Error! Bookmark not defined.....	پاداش صله رحم
Error! Bookmark not defined.....	6. حق همسایه
Error! Bookmark not defined.....	حقوق همسایه
Error! Bookmark not defined.....	پیامد خوش همسایگی
Error! Bookmark not defined.....	7. حق برادر مسلمان
Error! Bookmark not defined.....	احترام مال، جان و ابروی مسلمان
Error! Bookmark not defined.....	امنیت فرد مسلمان
Error! Bookmark not defined.....	مردم عیال خداوند
Error! Bookmark not defined.....	5. سیاسی
Error! Bookmark not defined.....	حق حاکمیت انبیا و اولیا
Error! Bookmark not defined.....	وظیفه مردم در برابر حکومت
Error! Bookmark not defined.....	وظیفه حاکم در برابر مردم
Error! Bookmark not defined.....	6. اقتصادی
Error! Bookmark not defined.....	اهمیت کار
Error! Bookmark not defined.....	نکوهش افراد سست عنصر
Error! Bookmark not defined.....	فعالیت‌های اقتصادی
Error! Bookmark not defined.....	1. فعالیت‌های اقتصادی در سیره پیامبر
Error! Bookmark not defined.....	1. تجارت
Error! Bookmark not defined.....	2. زراعت
Error! Bookmark not defined.....	3. دامداری
Error! Bookmark not defined.....	2. توزیع درآمد

1. انفاق..... Error! Bookmark not defined.
2. وقف..... Error! Bookmark not defined.
3. قرض الحسنه..... Error! Bookmark not defined.
7. نظامی..... Error! Bookmark not defined.
- 1- اقدامات پیامبر پیش از جنگ..... Error! Bookmark not defined.
1. مشورت با مجاهدان و استقبال از نظر کارشناسان Error! Bookmark not defined.
2. جمع آوری و تجزیه و تحلیل اطلاعات... Error! Bookmark not defined.
3. حفظ اسرار نظامی..... Error! Bookmark not defined.
4. دوراندیشی..... Error! Bookmark not defined.
5. توجه به خدای متعال..... Error! Bookmark not defined.
2. اقدامات پیامبر هنگام قطعی شدن جنگ..... Error! Bookmark not defined.
1. تصمیم گیری قاطع..... Error! Bookmark not defined.
2. پرهیز از امتیازطلبی..... Error! Bookmark not defined.
3. سازماندهی و استقرار سپاه در مواضع نبرد..... Error! Bookmark not defined.
4. انتخاب تاکتیکهای رزمی مناسب..... Error! Bookmark not defined.
1. انجام عملیات پیشگیرانه..... Error! Bookmark not defined.
2. تعقیب دشمن..... Error! Bookmark not defined.
3. فریب دشمن..... Error! Bookmark not defined.
5. اجتناب از تصمیمهای شتابزده..... Error! Bookmark not defined.
6. بهره گیری از جنگ روانی..... Error! Bookmark not defined.
7. بازگذاشتن باب گفتگوی سیاسی..... Error! Bookmark not defined.
8. تقویت روحی مجاهدان..... Error! Bookmark not defined.
3. اقدامات پیامبر هنگام نبرد..... Error! Bookmark not defined.
1. شرکت در جنگ..... Error! Bookmark not defined.
2. شجاعت در برابر دشمن..... Error! Bookmark not defined.
3. استقامت در میدان نبرد..... Error! Bookmark not defined.
4. جنگ ضربتی (برق آسا)..... Error! Bookmark not defined.

5.	تکیه بر نیروهای خودی.....	Error! Bookmark not defined.
6.	رعایت حقوق انسانی در جنگ.....	Error! Bookmark not defined.
7.	استفاده از تجهیزات نظامی.....	Error! Bookmark not defined.
8.	روان شناسی و شناخت استعدادها.....	Error! Bookmark not defined.
9.	مهرورزی با زیردستان.....	Error! Bookmark not defined.
10.	حفظ آرامش.....	Error! Bookmark not defined.
11.	سعی بر کاهش تلفات.....	Error! Bookmark not defined.
4.	عملکرد پیامبر پس از جنگ.....	Error! Bookmark not defined.
1.	گذشت و بزرگواری.....	Error! Bookmark not defined.
2.	تکریم خانواده شهیدان.....	Error! Bookmark not defined.
3.	آزادسازی اسیران.....	Error! Bookmark not defined.
8.	فرهنگی.....	Error! Bookmark not defined.
	قلمرو مخاطبان در آموزش پیامبر(ص)	Error! Bookmark not defined.
1.	آموزش‌های جمعی.....	Error! Bookmark not defined.
	خطابات جمعی در قرآن.....	Error! Bookmark not defined.
	خطابات جمعی در حدیث.....	Error! Bookmark not defined.
2.	آموزش‌های فردی.....	Error! Bookmark not defined.
	مرد و زن در خطابات پیامبر(ص).....	Error! Bookmark not defined.
	از نظر محتوا.....	Error! Bookmark not defined.
	الف) زنان.....	Error! Bookmark not defined.
	ب) مردان.....	Error! Bookmark not defined.
	نکته.....	Error! Bookmark not defined.
	گفتار دوم: تجهیزات آموزشی پیامبر(ص)	Error! Bookmark not defined.
	خانه.....	Error! Bookmark not defined.
	مسجد.....	Error! Bookmark not defined.
	منبر.....	Error! Bookmark not defined.

<i>Error! Bookmark not defined.</i>	حج
<i>Error! Bookmark not defined.</i>	عناصر طبیعی
<i>Error! Bookmark not defined.</i>	نتیجه گیری
<i>Error! Bookmark not defined.</i>	پیشنهاد
<i>Error! Bookmark not defined.</i>	منابع و مأخذ

طرح تفصیلی پژوهش

مقدمه

مطالعه و تحقیق پیرامون تعلیم و تربیت از سوی دانشمندان مسلمان نیز صورت پذیرفته است که تلاش نموده‌اند تا اصول و روش آموزش و پرورش بر مبنای قرآن و سنت را به صورت یک مجموعه به تصویر بکشند؛ این تلاش‌ها هیچ‌گاه به صورت روش‌مند و علمی ارائه نگردیده است.

از سوی دیگر، آثار به وجود آمده به طور کلی به موضوع آموزش و پرورش پرداخته‌اند و هیچ‌گاه این دو را از هم تفکیک نکرده و به طور جداگانه به بررسی آنها پرداخته‌اند.

نکته دیگر این‌که سیره آموزشی پیامبر اسلام(ص) در طول قرن‌های متوالی از نگاه‌ها به دور مانده و به آن توجهی نشده است و اگر آثاری هم پیرامون سیره نبوی نوشته شده است، بیشتر به ابعاد دیگری سیره پیامبر(ص) مانند سیره اخلاقی، ویژگی‌های فردی، نظامی، سیاسی و... پرداخته است.

پژوهش پیرامون سیره تربیتی و آموزشی سیره پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) به شیوه روش‌مند و هدف‌مند چند دهه بیشتر نیست که آغاز گردیده است و کتاب‌ها و مقالات راجع به آن نوشته شده است.

اما پژوهش پیرامون سیره پیامبر اسلام(ص) به طور خاص و نسبتاً فراگیر هنوز صورت نگرفته است که فقط به سیره پیامبر(ص) در بعد آموزش پرداخته باشد، به دلیل همین کاستی در این رساله سعی شده است به بررسی سیره آموزشی پیامبر اسلام(ص) پرداخته شود و ابعاد سیره آموزشی ایشان با استفاده از آیات و احادیث استنباط گردد. این هیچ‌گاه به معنای ادعای کمال و تمامیت این اثر نبوده و عیب‌ها و کاستی‌های آن را نمی‌زداید بلکه آن را راه‌گشای می‌داند برای

تحقیق بیشتر محققان و پژوهشگران وادی علم و معرفت تا با تحقیقات بیشتر و شایسته تر در برطرف کردن کاستی ها و راست کردن کجی ها تلاش نمایند.

نکته دیگری که لازم به ذکر این است که این تحقیق بیشتر تأکید بر آموزش های دینی دارد، زیرا پیامبر اسلام(ص) به دنبال آموزش های دینی و احکام الهی به انسان ها بوده است تا با استفاده از اصول و روش مفید، احکام و دستورات دینی را به مردم آموزش دهد.

امیدوارم این پژوهش برای دوست داران آیین نبوی(ص) و علاقه مندان به سیره پیامبر اسلام(ص) مفید واقع گردد و از خداوند متعال می خواهم اگر پاداشی به آن تعلق گیرد به روح بلند پیامبر اسلام(ص) و خاندان پاکش و به روح پدر و مادرم واصل نماید!

بیان مسئله

آموزش یکی از اصول اساسی و مهم زندگی بشر است و مسئله یاددهی و یادگیری و اصول و شیوه‌های آن موضوعی است که از گذشته‌های دور فکر اندیشمندان را به خود معطوف داشته است آنها تلاش نموده‌اند تا اصول و روش درست آموزش را کشف و به جامعه انسانی ارائه دهند. امروزه نیز یکی از دغدغه‌های اصلی دانشمندان تعلیم و تربیت پیدا کردن پایه‌ها و راه‌های موفقیت‌آمیز آموزش و پرورش می‌باشد.

با پیشرفت‌های که در حیطه آموزش و پرورش شده است، هنوز یک اصل ثابت و یک روش پذیرفته شده و کلی تدوین نگردیده است و کاستی‌های زیادی وجود دارد که تحقیق بیشتری را می‌طلبد.

در میان این روش‌های آموزشی، شیوه آموزش انبیای الهی قابل توجه و دقت بیشتری است. زیرا آموزش پیامبران مبتنی بر فطرت انسانی و نیازهای مادی و معنوی پی‌ریزی می‌گردد. در میان پیامبران الهی پیامبر اسلام به عنوان آخرین سفیر الهی برای جامعه بشری از اهمیت بیشتری برخوردار است و سیره آموزش ایشان نیاز به تدقیق و تحقیق افزون‌تری دارد. فقدان توجه کافی به این بخش از سیره پیامبر(ص) و سیر ناکارآمدی روش‌های آموزش و پرورش در جهان معاصر که روش‌های آن هر کدام به یک یا چند بعد از ابعاد بشر پرداخته است، چیزی است که مسئله تحقیق را روشن می‌سازد.

در این پژوهش در پی آن هستیم که ابعاد سیره آموزشی پیامبر اسلام را بررسی نماییم و اهداف و زوایای آن را به دست آوریم. تا آگاه گردیم که آموزش در سیره پیامبر(ص) چه نقشی دارد؟ ویژگی‌های رفتاری ایشان در امر آموزش چیست؟ و بایدها و نبایدهای آن کدامند؟

علت انتخاب موضوع

بعد از ظهور دین اسلام و بعثت پیامبر(ص) به رسالت توجه جهانیان به این پدیده جلب گردید و از آغاز بعثت تاکنون مباحث زیادی در قالب سخن و یا نوشته از سوی مسلمانان و غیر مسلمانان پیرامون اسلام و شخص پیامبر اسلام طرح و ارائه گردیده است و آثاری زیادی راجع به آن خلق شده است، تاریخ‌نگاران و سیره‌نویسان سعی نموده‌اند که وقایع دوران حیات پیامبر(ص) را از ریز و درشت ثبت کنند و یا به ضبط اخلاقیات فردی پیامبر(ص) پردازند. اما بیشتر این آثار به تاریخ سیاسی و جنگ‌های پیامبر(ص) پرداخته‌اند و یا ابعاد دیگری از سیره پیامبر(ص) را به تصویر کشیده‌اند.

در این میان به یک امر مهم در دین اسلام و سیره پیامبر(ص) که یک اصل و اساس می‌باشد پرداخته نشده است و آن مسئله آموزش و سیره آموزشی پیامبر اسلام است. با توجه به این که تربیت و آموزش از نظر اسلام و سیره پیامبر(ص) فلسفه اصلی بعثت پیامبران است. از نظرها دور مانده و آن چنان که باید و شاید بدان پرداخته نشده است. وجود این نقیصه علت انتخاب موضوع برای تحقیق پیرامون سیره آموزش پیامبر(ص) می‌باشد.

اهمیت و ضرورت موضوع

1. از نظر اسلام علم و دانش دارای اهمیت و ارزش شایان است و در متون دینی این مکتب از علم و دانش و دانشمندان به نیکی و احترام یاد گردیده است در آیات قرآن کریم جایگاه و مقام شایسته علم و عالم به خوبی یاد و معرفی گردیده است و عالم و جاهل را هیچ‌گاه برابر و همسان نمی‌بیند.

2. با توجه به اهمیتی که علم و دانش و فراگیری در اسلام دارد اهمیت آموزش و شیوه‌های آن در سیره پیامبر(ص) نیز آشکار می‌گردد، زیرا معقول نیست قرآن و پیامبر(ص) به اهمیت علم و فراگیری آن تأکید کرده باشد اما شیوه و روش مناسب برای آموزش ارائه نداده باشد. بنابراین، شیوه آموزش در سیره پیامبر(ص) دارای اهمیت می‌باشد.

3. چون معلمی شغل انبیاست پس آشنایی با شیوه و سیره آموزش آنها مخصوصاً پیامبر اسلام(ص) برای همه کسانی که دست‌اندرکار آموزش هستند و به ویژه معلمین باید با سیره آموزش پیامبر(ص) آشنا گردند تا بتوانند با استفاده از آن در امر آموزش توفیق لازم را به دست آورند و آگاهی از سیره آموزش پیامبر(ص) برای آموزگاران از اهمیت زیادی برخوردار است.

هدف و فایده تحقیق

هدف از تحقیق این موضوع را می‌توان به طور خلاصه چنین بیان نماییم:

1. بررسی سیره آموزش پیامبر(ص) و دانستن اهداف، روش و گستره آموزش پیامبر(ص) و نیز چارچوب‌ها و محتوای آن.
 2. سازمان‌دهی و دسته‌بندی این عناصر برای بهره‌بردن از سیره آموزشی پیامبر اسلام(ص).
 3. به کار بستن ویژگی‌های آموزش پیامبر(ص) توسط آموزگاران، مربیان و استادان و نیز نهاد آموزش جهت توفیق بیشتر در امر آموزش.
- فایده این تحقیق آگاهی از شیوه و اهداف آموزش پیامبر(ص) و به کار بستن آن در نهادهای آموزش ملل اسلامی و غیره می‌باشد.

سابقه پژوهش

آثار زیادی در قالب مقاله، کتاب، سخنرانی و غیره درباره آموزش و پرورش به وسیله مسلمانان و ملل غیر مسلمان ارائه گردیده است. اما همه این آثار به طور کلی تعلیم و تربیت را از نظر اسلام، قرآن، امامان و علما و اندیشمندان مطرح نموده‌اند که در ضمن به سیره تعلیمی پیامبر

اسلام(ص) پرداخته‌اند. علاوه بر این، در گذشته دانشمندان اسلامی تعلیم و تربیت را بیشتر در کنار مباحث اخلاقی و فلسفی مطرح می‌کردند و به طور مستقل به آن نمی‌پرداختند.

پیشنه این پژوهش شامل منابع متعدد می‌گردد که برای موضوع رساله حاضر از آنها بهره برده شده است. منابع مورد استفاده در این پژوهش را می‌توان به طور کلی به قرار زیر دسته‌بندی کرد:

1. منابع عمومی: این منابع، خود شامل منابع مختلفی می‌شود که به چند دسته تقسیم

می‌گردد:

الف) تاریخ: منابع تاریخی که در این پژوهش از آنها استفاده گردیده مشتمل بر کتاب‌های تاریخ عمومی می‌باشد. به عنوان نمونه، تاریخ طبری، تاریخ یعقوبی، الکامل ابن اثیر؛ طلبقات ابن سعد و مغازی واقدی را می‌توان نام برد.

آثار مکتوب تاریخی دیگر نیز وجود دارد که در فهرست منابع به آنها اشاره شده است.

ب) سیره: منابعی که راجع به سیره پیامبر و ویژگی‌ها و خصوصیات فردی، ظاهری و چگونگی رفتار پیامبر پرداخته‌اند، جزو این بخش می‌گردد، مانند سیره ابن هشام، سیره ابن اسحاق، سیره النبی علامه طباطبایی، الوفاء ابن جوزی و...

ج) تفسیر: منابع تفسیری شامل تفاسیری که در آن در مورد آیات مربوط به آموزش بحث شده است، مانند تفسیر مجمع‌البیان طبرسی، تفسیر المیزان علامه طباطبایی، تفسیر نمونه مکارم شیرازی، تفسیر علی بن ابراهیم قمی و سایر تفاسیر.

د) روایت: این منابع شامل کتاب‌های است که اخبار و احادیث منسوب به پیامبر را در بر گرفته است که هم کتاب‌های حدیثی اهل سنت را شامل و هم کتاب‌های حدیثی شیعه را، مانند صحیح بخاری، صحیح مسلم، سنن ابی داود، سنن نسائی، سنن ابی‌یعلی، سنن ابن ماجه، مسند احمد بن حنبل، جامع کبیر و صغیر، کنز العمال متقی و... و همچنین اصول کافی کلینی، وسائل الشیعه شیخ حر عاملی، من لایحضره الفقیه صدوق، تحف العقول حرانی، تهذیب و استبصار شیخ طوسی، بحار الانوار مجلسی، نهج‌الفصاحه خوانساری، مکارم الاخلاق طبرسی و ...

2. منابع اختصاصی و جدید: این منابع در کل شامل دو بحث است:

الف) منابعی که در موضوع تربیت نگاشته شده است و در ضمن به مناسبت‌های به بحث آموزش نیز پرداخته‌اند، مانند نگاه دوباره به تربیت اسلامی خسرو باقری، تاریخ آموزش در اسلام محمدحسین ساکت، تعلیم و تربیت در اسلام شهید مطهری، تعلیم و تربیت در اسلام سید علی اکبر حسینی و

ب) منابعی که بیشتر در این پژوهش از آن بهره برده‌ایم و به گونه‌ی به موضوع ما مربوط می‌شود، مانند سیره تربیتی پیامبر و اهل بیت با تأکید بر آموزش تألیف دکتر حسینی زاده. اثری دیگری بدان دست نیافتیم کتاب شیوه‌های تعلیم در قرآن و سنت اثر مهدی برومند. درآمدی بر فلسفه تعلیم و تربیت در اسلام، پژوهشکده حوزه و دانشگاه.

منابع مفیدی دیگری در این پژوهش از آن بهره برده شده: الف) مکاتیب الرسول احمدی میانجی و الوثایق دکتر حمیدالله می‌باشد.

سؤال اصلی پژوهش

آموزش در سیره رسول خدا(ص) چه جایگاهی داشته و سیره آموزشی آن حضرت چه ویژگی‌های دارد؟

سوالات فرعی

1. آموزش در سیره پیامبر(ص) چه جایگاهی دارد؟
2. اهداف روش‌ها، و محتوای آموزشی پیامبر(ص) چیست؟
3. قلمرو آموزشی پیامبر(ص) چیست؟

فرضیه پژوهش

پیامبر اسلام به عنوان پیامبر الهی و خاتم آنان اهتمام گسترده‌ای به امر آموزش داشته و سیره آموزشی ایشان دارای اهداف، قلمرو و شیوه ویژه‌ای بوده است.

مفاهیم

سیره

سیره در لغت به معنای روش، رفتار و طریقه آمده است^۱ و نیز به عبارتهای سلوک و چگونگی رفتار میان مردم معنا گردیده است.^۲ سیره بر وزن فعله است و فعله در زبان عربی به حالت و هیئت و نوع دلالت می‌کند. پس سیره یعنی نوع رفتار. در این پژوهش نیز سیره یعنی چگونگی و نوع رفتار پیامبر(ص) در بخش آموزش مقصود ما است.

آموزش

دو اصطلاح آموزش و پرورش یا تعلیم و تربیت معمولاً با هم به کار برده می‌شود. تعلیم در لغت به معنای یاددادن، آگاه کردن و آموختن و تربیت به معنای پروراندن و پرورده به کار رفته است.^۳ آموزش معادل کلمه (Instruaction) و پرورش معادل کلمه (Education) در انگلیسی است.

در تعریف اصطلاحی از این دو واژه اتفاق نظر وجود ندارد و تعریف‌های گوناگون ارائه شده است اما آنچه مهم است این است که تفاوت میان این دو اصطلاح وجود دارد یا ندارد؟ بعضی‌ها پرورش را اعم از آموزش می‌بینند، زیرا تربیت ایجاد تقویت هر نوع کمالی را شامل می‌شود و تعلیم هم نوعی کمال است. بعضی آموزش را به معنای کمک به یادگیری می‌دانند و هیچ تربیتی بدون یادگیری صورت نمی‌گیرد. به هر صورت، در این پژوهش منظور آموزش به معنای واژه (Instruaction) است نه واژه (Education).

^۱. دهخدا، فرهنگ دهخدا، ذیل واژه سیره

^۲. لوئیس معلوف، المنجد، ذیل کلمه سیره.

^۳. دهخدا، ذیل کلمه تعلیم.

روش

روش در لغت به چند معنا آمده است: در لغتنامه دهخدا، روش را چنین معنا می‌کند: طریقه، راه، شیوه، اسلوب، گونه، سنت، رسم و آیین.^۱

کلمه روش معنا و مفهوم گسترده‌ای دارد از تکنیک‌های بسیار ساده در تدریس «تا سیاست‌های اجرایی» عام و متغیر است چنین برداشتی از روش چه قابل قبول باشد یا نباشد در این پژوهش مورد نظر ما نیست، هدف ما در این بحث تنها بررسی چگونگی آموزش در سیره پیامبر اسلام(ص) است.

قلمرو

سرزمین‌های تحت حاکمیت، گستره سرزمینی، محدوده جغرافیای، گستره و دامنه، معانی لغوی قلمرو است.^۲ اما در این جا گستره و حدود محتوای و موضوعی آموزش‌های پیامبر(ص) مقصود است.

مخاطب

مخاطب از نظر لغوی به معنای طرف خطاب، آنکه سخن متکلم را رویارو استماع می‌کند، آنکه روی سخن گوینده به اوست،^۳ در این پژوهش نیز همین معنا از مخاطب مراد است.

تجهیزات

واژه تجهیزات در فرهنگ لغات به معنای سازوبرگ و اسباب کار آمده است و در این پژوهش منظور از آن ابزارهای است که ابزارهای که پیامبر(ص) از آن برای آموزش بهره برده است.

۱. همان، ذیل کلمه تعلیم.

۲. همان، ذیل واژه قلمرو.

۳. همان، ذیل واژه مخاطب.

روش پژوهش

در این تحقیق از روش تاریخی و توصیفی استفاده شده است؛ زیرا با استفاده از آثار به جای مانده از سیره پیامبر اسلام(ص) که عمدتاً بر گفتار و رفتار مبتنی است سعی در توضیح و تبیین سیره آموزشی ایشان شده است.

تجزیه و تحلیل اطلاعات

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها و اطلاعات به شکل تحلیلی - استنتاجی می‌باشد. ما با تحلیل اطلاعات و ایجاد رابطه منطقی میان آنها با استفاده از احادیث، سیره و قرآن سعی می‌کنیم که روش آموزش پیامبر(ص) را استنتاج کنیم.

سازمان دهی مطالب

کلیات و مفاهیم.

فصل اول: جایگاه و تاریخچه آموزش در تمدن‌ها و ادیان:

گفتار اول: جایگاه و تاریخچه آموزش در چین، هند، ایران، یونان، روم، مصر و عربستان عصر جاهلیت.

گفتار دوم: آموزش در ادیان: زرتشت، یهود، مسیحیت و آموزش در قرآن.

فصل دوم: اهمیت، جایگاه و اهداف آموزش در سیره پیامبر(ص)

گفتار اول: جایگاه آموزش در سیره پیامبر اسلام(ص): اهمیت آموزش، معلم و فراگیر.

گفتار دوم: اهداف آموزشی پیامبر(ص): ارتباط با خدا، ارتباط با طبیعت، ارتباط با جهان،

ارتباط با خود و ارتباط با جهان آخرت.

فصل سوم: روش‌ها و قالب‌های آموزش در سیره پیامبر(ص):

گفتار اول: روش‌های آموزشی پیامبر(ص): هدف‌مندی، استقامت، مهرورزی، لحاظ

تفاوت‌های فردی، حسی نمودن آموزش، شخصیت دادن و احترام به فراگیر.

گفتار دوم: قالب‌های آموزشی پیامبر(ص): قالب عملی، قالب گفتاری (خطابه، مناظره،

سفارشات و نکته‌آموزی)، قالب نوشتاری (املا، نامه‌ها و پیمان‌نامه‌ها)، محتوای آموزشی (آیات

قرآن، احادیث و احکام عملی).

فصل چهارم: قلمرو تجهیزات آموزش در سیره پیامبر(ص):
گفتار اول: قلمرو محتوایی آموزش پیامبر(ص) (اعتقادی، اخلاقی، طبی بهداشتی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی). قلمرو مخاطبان آموزشی پیامبر(ص) (آموزش فردی، آموزش جمعی، آموزش مردان و زنان).

گفتار دوم: تجهیزات آموزشی پیامبر(ص): خانه، مسجد، منبر، حج و عناصر طبیعی.
جمع بندی و نتیجه گیری و فهرست منابع

فصل اول

اهمیت و تاریخچه آموزش در تمدن ها و ادیان مختلف

گفتار اول: اهمیت و تاریخچه آموزش در تمدن‌ها

بررسی و مطالعه تاریخ انسان و جامعه انسانی چنان نشان می‌دهد که عمر آموزش و پرورش برابر است با تاریخ جامعه انسانی، و اجتماعات انسانی پیوسته از تعلیم و تربیت سود برده است و در این راستا سعی و تلاش چشم‌گیری نموده‌اند.

در این فصل به بررسی وضعیت آموزش در جوامع و تمدن‌های گذشته به طور خلاصه نظر می‌اندازیم تا از چگونگی آموزش در این تمدن‌ها و اجتماعات آگاه گردیم.

تعلیم و تربیت در چین باستان

سرزمین چین منشأ پیدایش یکی از کهن‌ترین تمدن‌های جهان و یکی از سستی‌ترین نظام‌های آموزش و پرورش می‌باشد که به علت قوانین استوار و غیر قابل تغییر تا اوایل قرن حاضر باقی و برپا بود.

پیشینه فرهنگی و بنابراین نظام تربیتی چین باستان به دو دوره تقسیم می‌گردد:

1. دوره ملوک الطوائفی تا قرن ششم ق. م 2.

2. دوره ظهور و پیدایش صنعت ذوب آهن و شکل‌گیری امپراتوری که از قرن ششم ق. م شروع می‌گردد. و تا قرن بیستم ادامه داشت.

از مشخصات دوره اخیر ظهور دو دوره اندیشه فلسفی کنفوسیوس و آیین لائوتسه است که هر دو بر نظام تعلیم و تربیت در چین تأثیر داشتند اما تأثیر آیین کنفوسیوس بیشتر می‌باشد.

تعلیم و تربیت در چین ریشه در مشخصات جامعه ارباب رعیتی و کشاورزی این سرزمین دارد.

مبنای این جامعه، خانواده است که در آن تا حد زیادی «پدرسالاری»، دیده می شود. در خانواده چینی پدر رهبر حقیقی و به منزله آسمان در جهان است. ویژگی های دیگری نیز در فرهنگ چینی دیده می شود که جنبه کشاورزی دارد و مفاهیم آن را می توان در فلسفه های چینی به ویژه اخلاق کنفوسیوس یافت.

یکی از این مفاهیم، مفهوم تائو به معنی کل (هستی) و «نظم» و «موثر» است که میان نیروهای متضاد، موازنه برقرار می کند و زندگی خردمندانه نیز در آن جهت سیر می کند.⁷

هدف از آموزش در چنین نظام یکی آماده کردن تدریجی فرد برای الحاق به گروه در قدم اول خانواده و آشنا نمودن آن با عقاید و مراسم فرمانبرداری از پدر و احترام به نیاکان است. و دیگری پرورش پسر ارشد برای جانشینی پدر و ریاست آینده خانواده است.

در دوره فئودال «پسر تا هفت سالگی در مصاحبت زنان و درون خانواده پرورش می یابد. هنگامی که به ده سالگی می رسد باید خانواده را ترک کند. سپس او را به معلم که مأمور و مسئول پرورشی اوست، می سپارند. این تربیت تا بیست سالگی ادامه دارد و طی آن نخست آداب معاشرت و شیوه مراسم دینی را فرا می گیرد، سپس به او تیراندازی و ارابه رانی و کارهایی از این قبیل یاد می دهند. اما این نوع تربیت با آموزش ادبیات، موسیقی و اخلاق تکمیل می شود.

از قرن ششم ق.م به بعد تعلیم و تربیت در چین با حفظ ویژگی دچار تغییراتی شد. و هدف تربیت بر اساس آیین کنفوسیوس این شد که شخص با تسلط بر خویشتن و در نتیجه تسلط بر دیگران به انجام مناسکی توانایی یابد که کل مدار هستی بر مدار آن می چرخد.

برای تحقق این هدف باید انسان روابط انسانی کرد و اخلاق سنتی مشخص گردیده است یعنی رابطه وزیر و سلطان، پدر و پسر، برادر و برادر، زن با شوهر را رعایت نماید و رفتار درست و پسندیده را در پیش گیرد تا به حکمت و پند واصل شود.

از قرن دوم ق.م که دوره «فضلا یا اهل ادب» معروف است. طبقه حاکم چین با تأسیس «مدارس امپراتوری» گروهی سعی بر آن داشتند تا تعدادی از اشراف زادگان را برای تصدی مقام های نظامی و

7. پژوهشکده حوزه و دانشگاه، درآمدی بر فلسفه تعلیم و تربیت، سمت، 1384، چاپ هفتم، ص 64.

سیاسی که در دوره قبل در دست فئودال‌ها بود آموزش دهند. تعلیم و تربیت در این دوره از خانه آغاز می‌شد اما روسای خانواده‌های اشرافی برای آموزش فرزندان خود معلمان خصوصی استخدام نموده در کنار خانواده‌های شان محلی برای مدرسه تأسیس می‌کردند. فلسفه، تربیت در این مدارس بر طبق آیین کنفوسیوس بود. و فراگیران در مدارس ضمن فراگیری احکام و اعمال دینی و اخلاقی نوشتن به چینی را نیز آموزش می‌دیدند.

دانش آموز چینی به علاوه فراگیری زبان دشوار چینی برای این‌که بتوانند وارد مدارس امپراتوری شوند می‌بایست آیین کنفوسیوس و تاریخ قدیم را نیز فرا می‌گرفتند. مهم‌ترین روش تعلیم، مطالعه و حفظ آن بود. لذا اشخاص که برای ورود به مدارس امپراتوری در مسابقه شرکت می‌کردند در صورتی می‌توانستند موفق شوند که بتوانند مطالب کتاب‌ها را فرا گیرند و همان را بازگو کنند.⁸

نظام آموزش چین تلاش داشت تا افرادی را تربیت کند که بتوانند برای سنت‌ها و آداب و رسوم خانوادگی و نیاکان خود زندگی کنند و در نگهداری آن سنت بکوشند.

این نظام آموزش گرچه در بقا و ثبات جامعه بسیار موثر بود اما به دلیل مخالفت آزادی شخصیت پروری و ابتکار باعث رکود و ایستایی تمدن چین را به تأخیر انداخت. این خطر همه تمدن‌های بیش از اندازه کهنه‌پرست را همواره تهدید می‌کند.

منسیوس دربارهٔ حکومت، نظام سلطنتی را بر دموکراسی ترجیح می‌دهد و می‌گوید که در حکومت دموکراسی برای صلاح کار حکومت باید همه مردم را تربیت کرد ولی در حکومت سلطنتی کافی است که فیلسوفان تنها یک تن - شاه را به دانش برسانند تا دولت کامل فراهم آید.

«خطای ذهن امیر را تصحیح کن، چون امیر را به صواب آری، سلطنت استواری می‌پذیرد»

او یکی از وظیفه دولت آموزش می‌داند: دولت باید آموزش و پرورش عمومی اجباری را سالم‌ترین مبنای تکامل مدنیت می‌داند. «قوانین نیکو بدون آموزش نیکو بر مردم دست نمی‌یابد»⁹

⁸. همان.

⁹. ای‌زد پناه، مهرداد کتاب آشنایی با ادیان. چین و ژاپن- تهران، انتشارات محور چاپ اول، 1381، ص 31.

در جامعه باستانی چین اشخاص باسواد ارزش بسیاری دارند و دستورالعمل اصلی دین، انجام «مراسم مخصوص نیاکان» است.¹⁰

در چین باستان یک نظام رسمی آموزش و پرورش وجود نداشت و تعلیم و تربیت اغلب در خانه اشخاص ثروتمند و یا خانه معلم و معابد انجام می شد. افراد عادی از تعلیم و تربیت بهره ای نداشتند. تقریباً همزمان با هند، در امپراتوری چین یعنی در دشت های رود آبی و رود زرد نوعی تربیت و تعلیم معمول بوده است.¹¹ یکی از خصوصیات آموزش و پرورش در چین باستان نقش آن در امور دولتی بوده است.

تربیت کادرهای اداری برای دولت یکی از هدف های عمده نظام آموزش و پرورش به شمار می رفت. این کادرها به خاطر نفوذشان نسبت به نظامیان برتری داشتند. به خاطر همین، تأمین و سازماندهی آموزش در مرکز توجه قرار داشت. گرچه اشاعه آموزش ابتدایی هدف بودند. کارگزاران حکومت چین با بهترین روشی که جهان به خود دیده برگزیده می شدند.¹²

نخستین مرحله تربیت کارگزاران حکومتی در آموزش گاه های روستایی صورت می گرفت. حکومت چین دموکراسی به معنای حقیقی بود زیرا امکانات همگان در سابقه حصول مقام و منزلت برابر بود. حکومت چین نوعی از حکومت آرسیتوکراسی عالی بود زیرا به دست مردان توانا رتق و فتق می یافت که به طریق دموکراتیک از تمام طبقات برگزیده می شدند. و به همین خاطر مردان با فرهنگ به جای خداوندان قدرت، قهرمان ملی شمرده می شدند.

تقریباً در تمام خاک چین و حتی روستاها، آموزش گاه های عمومی برای پرورش و آموزش افراد و آماده شود آنها برگذاردن انتخابات وجود داشت.

در چین آموزش و پرورش از دخالت دین برکنار بود و فقط اصول آیین کنفسیوس را مد نظر داشته اند در سال 125 ق.م. یک دانشگاه به وجود آمد در قرن دوم میلادی تعداد دانشگاهیان چینی در دانشگاه ها به سی هزار نفر می رسید.

10. همان، ص 66.

11. الماسی، علی محمد، تاریخ مختصر تحول تعلیم و تربیت در اسلام و ایران، تهران، رشد چاپ دوم 1382، ص 20.

12. همان، ص 21.

اختراع کاغذ و دستگاه چاپ در قرن نهم میلادی در چین باعث فراهم آمدن کتاب به مقدار وسیعی گردید.^{۱۳}

آموزش در هندوستان

هندوستان نیز وضعی مشابه چین را داشت با این تفاوت که چین به دلیل وضعیت ویژه جغرافیایی (انحصاری میان کوه‌های عظیم)، از نظر نژاد و فرهنگ دست ناخورده باقی ماند و نظام آموزش سنتی تا اواخر ثابت ماند.

اما هندوستان به دلیل مهاجرت اقوام آریایی به این سرزمین دچار اختلاط نژاد و فرهنگ و نظام آموزش و پرورش آن دچار دگرگونی و تغییراتی شد.^{۱۴}

در هند باستان به دلیل نظام اجتماعی کاستی افراد جامعه به طبقات مختلف تقسیم می‌شدند که شامل فرمانروایان، جنگجویان، بازرگانان، فرومایگان، و بندگان می‌شد. طبقه اخیر که در پایین‌ترین مرتبه اجتماعی قرار داشت تقریباً از هر حقوق اجتماعی محروم بودند.

تعلیم و تربیت در هند همانند بسیاری از تمدن‌های دیگر همانند آن از فرهنگی دینی و طبقاتی سرچشمه می‌گیرد.

با توجه به عقاید و رسوم طبقاتی در هند می‌توان تا حدی به فلسفه آموزش در هند باستان پی برد. در این جامعه فرد به شدت در چنگال طبقه که در آن متولد می‌شد اسیر بود و رهایی از آن به راحتی میسر نمی‌شد بنابراین تعلیم و تربیت او نیز تابع طبقه اجتماعی اش بود.

نجس‌ها از هر گونه آموزش محروم بودند ولی برهمنان که خود را برای این شغل مهیا می‌کردند از تعلیم و تربیت به معنای حقیقی کلمه برخوردار بودند.

طبقاتی دیگر نیز تا حدی از تعلیم و تربیت بهره‌مند می‌شدند این آموزش شامل خواندن و نوشتن، حساب کردن فراگیری عقاید و مناسک دینی و سنت‌های قومی بود این بخش از آموزش نیز مخصوص پسران بود و دختران تقریباً هیچ آموزش خاصی جز تربیت خانوادگی قرار نگرفته بود.

^{۱۳} . همان.

^{۱۴} . پژوهشکده حوزه و دانشگاه، فلسفه تعلیم و تربیت، ص 66.

بر اساس فلسفه هندی هدف از آموزش فراگیری انجام مسئولیت و ادامه دین نسبت به خدایان، خردمندان و نیکان است، که ادای دین نسبت به خدایان با قربانی و نذر و نیاز و خواندن اوراد و دعاهای مذهبی خاصی، نسبت به خردمندان از راه فراگیری متن کتاب‌های مقدس و ادای دین نسبت به نیاکان با تشکیل خانواده و سرپرستی و توالد و تناسل و حفظ و پرورش فرزندان و تهیه غذا برای برهمنان انجام می‌گیرد.^{۱۵}

چنان‌که گفته شد، آموزش کامل مخصوص برهمنان بود، در این دوره تعلیم و تربیت دوازده سال بود که در این دوره افراد باید واقعاً پاک، متدین، وارسته، خویشنندار و نیکوکار بار آیند. برهمنان پس از آموزش زبان سانسکریت و متون مقدس و شعر و فلسفه علوم مانند ریاضیات، پزشکی و نجوم را نیز می‌آموختند. در هند باستان شیوه آموزش شفاهی و کتابی بود و یادگیری از طریق تکرار شکل می‌یافت و به تقویت حافظه اهمیت داده می‌شد.

در آموزش ابتدایی معلمان از روش خلیفگی استفاده می‌کردند بدین شکل که کودکان کوچک‌تر تحت آموزش کودکان بزرگ‌تر و پیشرفته‌تر قرار گرفتند. در نظام آموزش هند باستان بر عکس خیلی از تمدن‌های قدیم مجازات و اجبار کمتر به کار می‌رفت و با توجه به هدف اصل که تلطیف روح بود برای ایجاد نظم و قانون از شیوه‌های ملایمی استفاده می‌شد.^{۱۶}

متون سانسکریت هند و اروپایی، موسوم به وداها، کهن‌ترین سروده‌های دینی در هندوستان‌اند. واژه «وداها» به معنای دانش و معرفت است.^{۱۷}

اوپانیشادها بازتاب یک دوره پر شور فلسفه بافی‌اند. دوره‌ای که دو دین دیگر بودا و جین را به وجود آورد. این اندیشه‌ورزی مقدس در مدارس انجام می‌گرفت که آموزگاران افکار خود را به شاگردان انتقال می‌دادند و در بحث‌های عمومی شرکت می‌جستند جلسات عمومی مجامعی بودند که در آنها

۱۵. همان ص 68.

۱۶. همان، ص 69.

۱۷. همان ص 24.

حکیمان بزرگ، اعم از مرد و زن، آرای خود را به بحث و نقد می گذاشتند. اغلب مطالب اوپانشادها به صورت مناظره‌های محققانه و گفت و شنوهای استاد - شاگردی است.^{۱۸}

برای مردهای سه طبقه بالای جامعه مرحله زندگی نیز تنظیم کننده رفتار بود. زندگی دارای چهار مرحله است. نخست مرحله دانش اندوزی است و نخستین آموزگاران شخص والدین او هستند سپس آموزش رسمی آغاز می گردد. و او را به نزد آموزگاری حرفه‌ای می فرستند تا به اقتضای موقعیت اجتماعی خانواده آموزش ببیند.

مرحله دوم - خانه‌داری، زمان تشکیل خانواده است. پسر بزرگ شده، ازدواج می کند، صاحب اولاد می شود، و برای تأمین خانواده و حفظ جایگاهش در اجتماع کار می کند. بچه‌ها که بزرگ می شوند و خود صاحب فرزند می شوند شخص به مرحله سوم زندگی اش قدم می گذارد و جنگل نشین می شود و بدین وسیله به فرزندان اجازه می دهد حرفه خانوادگی را به عهده بگیرند و خود به امور معنوی پردازند مرحله چهارم مرحله زهد کامل است.

زندگی زنان شمول این چهار مرحله نمی شد.^{۱۹}

اسناد نشان می دهد که در قرن اول زنان اجازه مطالعه و دها را نداشته‌اند. اگرچه پیشینه حکیمان زنی که در مناظره‌های اوپانشادها شرکت داشته‌اند حاکی است که در عصر و دایی، دختران نیز مرحله دانش اندوزی را گذرانده‌اند. خانه‌داری محور زندگی زنان به شمار می رفت: از این رو، آموزش دختران از هنر خانه‌داری فراتر نمی رفت.

هیچ سندی نشان نمی دهد که از زن انتظار می رفت تارک دنیا شود یا دانش روحانی کسب کنند. خط نویسی حتی تا قرن نوزدهم سهمی ناچیزی در آموزش و پرورشی هندی بر عهده داشت.^{۲۰} چون به گذشته دور تاریخ هند نگاه کنیم، به یک نظام آموزش بر می خوریم که همیشه در دست روحانیان بوده است. این نظام در آغاز به روی پسران برهمنان باز بوده، بعدها، به ترتیب، از طبقه‌ای به طبقه دیگر گسترش یافت. تا دوره ما که فقط نجس‌ها از آن محرومند. هر روستای هند مدیر مدرسه‌ای

18. همان ص 33.

19. همان ص 41.

20. ویل دورانت، مشرق زمین گهواره تمدن، ص 630.

خاص خود را داشت که از صندوق عمومی حقوق می گرفت. پیش از آمدن بریتانیایی ها به هند، فقط در بنگال در حدود هشتاد هزار مدرسه محلی وجود داشت، یعنی برای هر چهارصد نفر یک مدرسه. بچه ها از پنج سالگی تا هشت سالگی از شهریور تا بهمن به مدرسه دهکده می رفتند و بعد از هشت سالگی تحت تعلیم و مراقبت رسمی تر گورو یا معلم شخصی قرار می گرفتند. روش آموزش در هند باستان از بر کردن مطالب بود و وداها متن بی چون و چرای درسی را تشکیل می داد.

در دوره ابتدایی خواندن و نوشتن و حساب کردن جزء برنامه تحصیل بود اما کار اصلی آموزش به شمار نمی آمد و انضباط را جوهر تحصیل بود. خبری از چوب و فلک و چیزهای اجباری دیگر نبود. شاگرد که از هشت سالگی تا بیست سالگی تحت تعلیم گورو بود علوم پنج گانه ای چون دستور زبان، هنرها و فنون، طب، منطق و فلسفه باید فرا می گرفت و در ضمن مکلف به خدمت به گورو-خویشتن داری عفت، پاکیزگی و خوراک بی گوشت بود.

هند باستان دارای دانشگاه های بزرگی مانند: دانشگاه بنارس، تکسیله، ویدرهبه، آجانتا، آجین و نالنده بود. شهرت دانشگاه بنارس بیشتر در علم درست پندار برهمنان، دانشگاه تکسیله در طب، دانشگاه آجین در نجوم، دانشگاه آجانتا در هنر بود.²¹

شاگردان پسر و دختر از سن 12 سالگی به خانه معلمین می رفتند و دختران را تا 24 سالگی در جای جداگانه نگاه می داشتند. زندگی با استاد که به زبان سانسکریت گورو نامیده می شد تولد دوباره دانش آموزان بود.

عالی ترین هدف شاگرد وفاداری به گورو و بزرگ ترین هدف گورو تربیت شاگرد بود. شاگردان خدمات نوکرمانه انجام می دادند. «درین مرحله آموزش شامل پنج «شاسترا» یا پنج علم بود: 1. دستور زبان 2. سرودن شعر 3. منطق 4. اخلاق 5. هیئت 6. طب 7. اداب مذهب 8. عطر سازی، آوازخوانی، رقص و موسیقی.²²

21. همان، ص 631.

22. الماسی، علی محمد، تاریخ مختصر تحول در ایران، تهران، رشد، 1364، ص 30.

این تعلیم و تربیت خاص پسران و دختران برهمنان و فرمانروایان بود کودکان اقشار دیگر به فرا گرفتن حرفه و صنعت می پرداختند. در این دوره زنان مورد احترام زیاد بودند. دانشمندان بزرگ زن این دوره عبارت بودند از «گارگی و مایترگی».

سرانجام شاگرد را با این پند خردمندان به جهان خارج روانه می کردند و می گفتند: ربع تعلیم و تربیت را معلم، ربع آن را مطالعه شخصی، ربع سوم را دوستان و ربع آخر را زندگی تدارک می دهد.

دانشگاه نالنده که در زمینه تعلیمات عالی مشهور بود دارای ده هزار طلبه، صد اتاق درس، و کتابخانه‌های بزرگ، شش عمارت عظیم چهار طبقه برای خوابگاه بود.

خورد و خوراک و تحصیل برای کسانی که وارد دانشگاه می شدند مجانی بود. اما ملزم به اطاعت از انضباط شدید بود. دوره دانشگاه دوازده سال طول می کشید اما برخی سی سال و یا تا پایان عمرش آنجا می ماندند.^{۲۳}

آموزش در ایران باستان

تمدن ایرانی تاریخی طولانی دارد و آنچه از تحقیقات باستان‌شناسان بر می آید در حدود 5000 سال پیش اقوامی در فلات ایران زندگی که دارای تمدن و فرهنگ بودند و از جلوه‌های مهم تر این تمدن دین «مزدسینا» می باشد.

این دین اول یگانه پرست بودند و «اهورامزدا» را به عنوان خدای نور و آبادانی پرستش می کردند. اما بعدها به دوگانه پرستی منجر شد و قایل به خدای تاریکی و بدی به نام «اهریمن» گردیدند، آیین زرتشت در واقع اصلاح شده‌ای همین دین مزدیسنا می باشد.^{۲۴}

آیین زرتشت از آن موقع تا ظهور اسلام با توجه به برخوردهایی که با ادیان دیگر مانند یهودیت و مسیحیت و دیگر ادیان داشتی دچار تغییراتی گردید.

در دوران ساسانیان آیین زرتشتی به عنوان تنها دین رسمی کشور اعلام گردید. و روحانیان زرتشتی قدرت سلطنتی را نیز در اختیار گرفتند.

²³. همان، ص 31.

²⁴. پژوهشکده حوزه و دانشگاه، فلسفه تعلیم و تربیت، ص 70.

برای شناخت هدف‌ها و تشکیلات و روش‌های آموزش و پرورش در ایران باستان باید علاوه عقاید دینی به وضع اجتماعی و سیاسی این دوران نیز توجه کرد.²⁵

اگر دین ایرانیان باستان را مزدسینا و صورت اصلاح شده آن را آیین زرتشتی بدانیم، نخستین آموزش‌گاه‌ها پس از خانواده آتشکده‌ها بوده است.

پیشوایان دینی نخستین آموزگاران پس از والدین به شمار می‌آمدند و مهم‌ترین برنامه نیز آموزش‌های دینی بود.

در دین زرتشت بالاترین و مهم‌ترین هدف ایجاد اخلاقی شخصی و انسانی است. دین زرتشتی پیروان خود را به کشاورزی و درختکاری تشویق و کوچ‌نشینی و بیابان‌گردی را مردود می‌داند.

دین زرتشتی به حیات ماوراء طبیعی و رستاخیز اهمیت می‌دهد. «سراسر زندگی خاکی هر یک از گرویدگان به آیین زرتشتی عبارت از پیکار درونی است که باید بر ضد شر آغاز کنند و بر آن پیروز شوند.»

راه پیروزی «پندار نیک»، «گفتار نیک» و «کردار نیک» است.

بنابراین، هدف اصلی آموزشی: آشناساختن کودکان با این سه اصل و اجرای آن است.

هدف دیگر آموزش و پرورش ایفای مسئولیت در قبال خانواده و سرزمین است. تربیت در ایران باستان به سه منظور بوده است: 1. خدمت به اجتماع (کشور) 2. خدمت به خانواده و رفع مسئولیت از والدین 3. بهبودی حال و برتری بر دیگران.²⁶

سازمان واحدی آموزش در این دوره وجود نداشته است. اما خانواده و آتشکده و آموزش‌گاه‌های درباری مراکز مهم تعلیم و تربیت در این دوره بوده است.

در دوران ساسانی دانشگاه‌هایی نظیر جندی شاپور نیز بر این مراکز افزوده می‌شود. با تأسیس نظام شاهنشاهی در دوران هخامنشی جامعه ایران عملاً به دو طبقه تقسیم شدند. 1. شاه و درباریان و مالکان بزرگ اراضی 2. رعایا و توده مردم.

نظام آموزش و پرورش نیز به ناچار تابع همین وضع طبقاتی بود.

25. همان، ص 71.

26. همان، ص 72.

بدین ترتیب آموزش طبقات پایین با اشراف زادگان فرق می کرد. آموزش و پرورش طبقات پایین، در آموزش دینی در آتشکده‌ها و به وسیله موبدان خلاصه می شد. و آموزش حرفه‌ای این گروه توسط والدین انجام می شد.²⁷

از سوی دیگر در تربیت فرزندان طبقات عالیّه کوشش فراوان به عمل می آمد. در آموزش گاه‌های درباری، غالباً بزرگان کشور به تعلیم و تربیت مشغول بودند. در این آموزش گاه‌ها مهم‌ترین قسمت برنامه آموزش‌های دینی و اخلاقی بوده علاوه بر خواندن، نوشتن و حساب کردن نیز فرا گرفته می شد. تربیت بدنی مانند سوارکاری، تیراندازی، چوگان‌بازی نیز مورد توجه قرار می گرفت. در مدارس دربار اشراف زادگان برای مشاغلی مانند: قضاوت، پزشکی و منجمی آموزش می دیدند.

کودک تا پنج سالگی در خانواده و در میان زنان تربیت می شد و آموزش دینی و علوم و فنون، در سن هفت تا پانزده سالگی انجام می گرفت. روش عمده آموزش و پرورش، شفاهی و حفظی و تلقینی بود. فرزندان تا سن پنج سالگی به اختیار مادر، و از پنج سالگی تا هفت سالگی تحت سرپرستی پدر بودند، و در این سن به مدرسه داخل می شدند. تعلیم و تربیت غالباً منحصر به فرزندان ثروتمندان بود. و این کار معمولاً توسط کاهنان صورت می گرفت. یکی از اصول رایج این بود که مدرسه نزدیک بازار نباشد. تا دروغ و دشنام و تزویری که در آن جا رایج است به تباهی حال کودکان نشود. کتاب‌های درسی اوستا و شرح آن بود؛ مواد درسی شامل مسایل دینی و طب و حقوق می شد؛ درس از راه سپردن به حافظه فرا می گرفتند، و بندهای طویل را از بر می کردند؛ و مکرر می خواندند. پسران طبقات پایین در دسر خواندن نداشتند و تنها سه چیز را می آموختند: اسب‌سواری، تیراندازی و راست‌گویی. تعلیمات عالی تا سن بیست یا بیست و چهار سالگی ادامه می یافت و به بعضی از فرزندان اشراف تعلیمات مخصوصی می دادند که برای فرمانداری استان‌ها و تصدی مشاغل دولتی مهیا شوند. ولی آنچه برای همه مشترک بود فراگیری فنون جنگ بود.

زندگی دانشجویان در مدارس عالی بسیار دشوار بود، شاگردان صبح زود بیدار می شدند مسافت زیادی را می دویدند، بر اسبان سرکش سوار می شدند و به سرعت می تاختند، دیگر از کارهای مدارس

²⁷. همان، ص 73.

شناوری شکار جانوران، دنبال کردن دزدان، کشاورزی و درختکاری و طی کردن مسافت‌های درازی در گرمای شدید تابستان یا سرمای جانسوز زمستان بود آنان را چنان بار می‌آوردند که در سخت‌ترین شرایط آب و هوایی و غذایی قدرت مقاومت و تحمل داشته باشند.²⁸

در ایران باستان آموزش و پرورش جنبه طبقاتی داشت و هر شاگرد به فراخور حال و طبقه‌ای که داشت آموزش ویژه می‌دید. شاگردان از نظر طبقه به انواع زیر تقسیم می‌شدند:

1. دانش آموزان خاص، مانند شاهزادگان و بزرگان.
2. دانش آموزان حرفه‌ای شامل فرزندان مغان، هیربدان، موبدان، پیشه‌وران، اصناف، صنعت‌گران و کشاورزان.
3. دانش آموزان عادی شامل فرزندان آموزگاران، کارمندان و بازرگانان. این دانش آموزان به دو گروه پسران و دختران تقسیم می‌شدند.²⁹

آموزش در یونان باستان

تاریخ تعلیم و تربیت یونان باستان را به دو دوره تقسیم و متمایز می‌کنند:

1. دوره‌ای از قدیمی‌ترین زمان آغاز و تا جنگ ایران و یونان در دشت ماراتن و شکست ایرانیان ادامه می‌یابد.
 2. دوره‌ای که بعد از این جنگ تا فتح یونان به دست رومیان ادامه دارد.
- بعضی‌ها دوره دیگری را نیز به تعلیم و تربیت در یونان باستان می‌افزایند و آن پیشرفت یونان در سرزمین‌های شرقی بود که موجب در آمیختن دو فرهنگ یونانی و شرقی گردید و موجب پیشرفت‌های فرهنگی گردید که نمونه آن دانشگاه اسکندریه در مصر است که در قرن دوم میلادی تأسیس گردید که در آن ادبیات یونان و هنرهای هفتگانه، فلسفه یونان استثنای «اپیکور» و حکمت الهی آموخته می‌شد.³⁰ اما

28. ویل دورانت، تاریخ تمدن، ج 2، ص 435.

29. صفوی، امان‌الله، تاریخ آموزش و پرورش ایران، از ایران باستان تا 1380، تهران، رشد، 1380، ص 28.

30. فلسفه تعلیم و تربیت، ص 80.

بعضی به دلیل دو آمیختگی آن با فرهنگ غیر یونانی آن را جزئی دوره‌های تعلیم و تربیت یونانی ذکر نمی‌کنند.

دوره اول: دوره قدیم

اسپارت و آتن دو نمونه برجسته تعلیم و تربیت دوره قدیم به شمار می‌آیند. این دو دولت شهر در اصل هدف آموزش و پرورش همسان بودند گرچه در بخشی از شیوه‌های آموزش متفاوت‌اند. هدف اساسی در آموزش و پرورش، بار آوردن انسان به عنوان سربازان قوی و با شهامت و آراسته به زیور اخلاق و موازین مدنی بود.

آموزش در اسپارت

قوم اسپارت یا جامعه اسپارت به سه گروه اجتماعی تقسیم می‌شدند.

1. شهروندان - که خود را اسپارتی خالص می‌دانستند این گروه از زحمات عادی زندگی آسوده بودند. و وقت خود را صرف امور لشکری می‌کردند.
2. کشاورزان - این گروه دارای حقوق اجتماعی بوده و از حقوق سیاسی محروم بودند و کار ایشان تولید بود.
3. بندگان که در تملک دولت بودند.

جامعه اسپارتی به دلیل ماهیت نظامی گری که داشت در امر آموزش بیشتر به امر قوای جسمانی و آموزش فنون نظامی تکیه داشت و نیز تقویت فلسفی.

محصول این گونه آموزش سربازان شجاع و سیاستمداران بود.³¹

در اسپارت مهم‌ترین هدف، جنگیدن و کسب پیروزی بوده و مقیاس مورد نظر مردم جنگ جویی، دلاوری، فرمانبرداری و نیروی تن خلاصه می‌شد.³²

³¹. الماسی، تاریخ مختصر تحول و تعلیم و تربیت در اسلام و ایران، ص 66.

³². همان، ص 38.

به همین سبب در این شهر نوزادانی که شورای ریش سفیدان، ضعیف و نحیف تشخیص می دادند در کوه رها می کردند تا تلف شوند.

کودکان تا 7 سالگی نزد خانواده پرورش می یافتند. سپس به آموزش گاه‌هایی که از طرف دولت به منظور آموزش ساخته شده بود انتقال می یافتند در آموزش عمومی خواندن و نوشتن منظور نبود این امر معمولاً توسط خانواده‌ها و به طور خصوصی اعمال می شد.

کودکان و نوجوانان به حفظ اشعار و امثله‌ای که روح وطن پرستی و شهامت و پایداری را تقویت کند مجبور بودند. پسران از 8 - 18 سالگی در سرباز خانه بازویش بسیار خشن تربیت می شدند.

آنها در 30 سالگی به سن بلوغ اجتماعی می رسیدند و به عضویت جامعه در می آمدند. دختران نیز از تربیت سخت برخوردار بودند و وظیفه آنها به دنیا آوردن فرزند سالم و قوی بود.

در آموزش اسپارتنی زندگی جمعی بر زندگی فردی و تربیت جسمانی بر پرورش عقل و درک و فهم ترجیح داشت.

آموزش در آتن

آتن پایتخت شبه جزیره آتی‌کاست. در این شهر فرزندان طبقه آزاد را به شیوه دیگری برای حکومت تربیت می کردند، تربیت بدنی، عقلی و روحی همراه با یکدیگر انجام می شد.

در این جای نیز کودکان قوی رو نگاه می داشتند. کودکان تا هفت سالگی در خانه آموزش و تربیت می دیدند. در این سن دختر را از پسر جدا می کردند.³³

در این شهر، مدرسه عمومی و دانشگاه دولتی وجود نداشت. و تعلیم و تربیت به دست افراد خصوصی اجرا می شد.

در مدارس شاگردان روی نیمکت می نشستند و توماری را می خواندند. تحصیل در سنین بالا مخصوص افراد دولت مند بود.

برنامه مدارس از نظر موضوع شامل سه قسمت می گردید:

³³. پژوهشکده حوزه و دانشگاه، فلسفه تعلیم و تربیت، ص 80.

1. نوشتن - نوشتن شامل قرائت و حساب هم بود. و در حساب به جای ارقام حروف به کار می‌رفت. 2. ورزش 3. موسیقی^{۳۴}

در آتن برای عضویت جامعه علاوه بر این که آتنی باید از خانواده‌های مخصوص و افراد آزاد باشد و می‌بایستی خواندن و نوشتن و موزیک و ورزش بدانند. آموزش و پرورش آزادانه انجام می‌گرفت و القا عقیده وجود نداشت بلکه به موجب قانون پدر وظیفه داشت که فرزند را به تحصیل بگمارد. و اگر به این وظیفه عمل نمی‌کرد، فرزند نیز مجبور نبود هنگام پیری از پدر نگهداری کند. آموزگاران در آتن شان و حرمتی نداشتند و فقط به استادان احترام قایل بودند.

روش آموختن انفرادی بود و آموزگار برای هر شاگرد جداگانه درس می‌داد. معلم درس می‌گفت و شاگرد از بر می‌کرد. تنبیه بدنی هم در آموزش گاه و هم در خانه معمول بود.^{۳۵}

دوره تحصیلی

از سن هفت سالگی که دختر و پسر جدا می‌گردید، دختر از مادر خانه‌داری را فرا می‌گرفت و با مادر همیشه در درون خانه بود.

دختران دولت‌مند خیاطی - موسیقی و بافندگی را نیز یاد می‌گرفتند. پسران از سال هفتم به آموزش گاه‌های موسیقی ادبیات و ورزش می‌رفتند.

پسران هنگامی که به شانزده سالگی می‌رسند به سالن‌های ورزشی و ورزشگاه که از سوی دولت بر پا شده است می‌روند تا با تربیت جسمی برای سربازی آماده شوند. حتی بازی‌ها و ورزش‌های شان نیز به نحو آنان را برای سربازی آماده می‌سازند: می‌دوند، کشتی می‌گیرند، شکار می‌کنند، ارابه می‌رانند. و زوبین می‌اندازند.^{۳۶}

³⁴. الماسی، تاریخ مختصر تحول و تعلیم و تربیت در اسلام و ایران، ص 67.

³⁵. صدیق، عیسی، تاریخ فرهنگ اروپا از آغاز تا زمان حاضر، چاپ پنجم، بی‌جا، دهخدا، 1357، ص 6.

³⁶. ویل دورانت، تاریخ تمدن یونان باستان، ص 320.

(کتابی درسی وجود نداشت و آموزگار مطالب را جزوه می گفت. نخستین کتابی که بدین ترتیب می نوشتند و می آموختند ایلیداد و ادیسه هومر بود سپس اشعار هزیود و ته اوگنیس و حکایات و افسانه از وپ.^{۳۷}

پسران در هجده سالگی به دومین مرحله از مراحل چهارگانه زندگی آتن (کودکی، جوانی، فردی، پسری) گام می نهند و در صف سربازان جوان آتن قرار می گیرند. بزرگان قبایل مریانی را معین می کردند تا در مدت دو سال، جوانان را به آداب شهروندی و رموز جنگ آشنا کنند.

سال اول را به مشق نظامی می پردازند و از استادان ادب و موسیقی و هندسه و خطابه تعلیم می گیرند. در نوزده سالگی حراست مرزها را به عهده می گیرند. و باید دو سال شهر را از هجوم بیگانه و اغتشاشات داخلی حفظ کنند.

این جوانان چون در بیست و یک سالگی خدمت سربازی را به پایان رسانند، از زیر تسلط پدر و مادر بیرون آمده، رسماً به شهروندی پذیرفته می شوند.^{۳۸}

دوره دوم

این دوره از قرن پنجم قبل از میلاد آغاز می گردد و به عصر طلایی و عصر پریکلس معروف است. در این دوره جزیره آتیک و مرکز آن آتن رونق و شکوفایی فوق العاده، می یابد و در کنار پیشرفت های شگرف و برقراری دموکراسی در زمینه های فلسفه و هنر نیز شکوفایی های شگرف به وجود می آید و مردان بزرگی تربیت می شوند که نه تنها باعث تحول فکری فرهنگی در آتن بلکه پایه گذار تمدن در جهان به خصوص مغرب زمین گردیدند.

در عصر طلایی در هر رشته از امور اشخاص برجسته ای پیدا شدند که موجب افتخار یونان باستان هستند. در کار سیاست و حکومت تمیستوکل و پریکلس - در هنرهای زیبا «فیدیاس» و «مپرون» - در

37. صدیق، عیسی، تاریخ فرهنگ اروپا، ص 8.

38. ویل دورانت، تاریخ تمدن یونان باستان، ص 232.

تاریخ هردوت و توسیدید - در نمایش و تعزیه اشیل و سفکل - در نمایش گری و جانبه‌ای و تقلید و هنرپیشگی آریستفان از نامداران جهان هستند.³⁹

دولت شهر آتن پیش از لشکر کشی ایران در سال 509 ق.م شرایط عضویت جامعه را آسان نمود و منحصر به افرادی که از خانواده‌های خاص و به طرز مخصوص تربیت نکرد بلکه بازرگانان را نیز به عضویت پذیرفتند. در نتیجه این کار بر نفوذ و جمعیت آتیک افزوده شد.

همین که آتن در جنگ‌های سه گانه ماراتن، سالامین و پلاته که طی پانزده سال از سوی ایران صورت گرفت، کامیاب شدند نفوذ شبه جزیره آتیک بیشتر شد - بازرگانی او به فزونی گذاشت - سفارت‌ها با کشورهای دیگر مبادله شد - آتنی‌ها به اطراف مدیترانه مسافرت کردند - بر تعداد بیگانگان در خاک یونان افزوده شد - که این روند باعث پیدا شدن نظریات جدید نسبت به عقاید و اصول موجود گردید.

تا آن زمان حکما معتقد بودند که اصل همه اشیا یک چیز است و فقط صورت‌های ظاهری آنها فرق می‌کند لذا به دنبال پیدا کردن منشأ واحد بودند یکی خاک را اصل و منشأ واحد می‌دانست دیگری آتش را برخی نیز اعداد را.

از این به بعد حکما و متفکران به عالم باطنی و احساسات و عواطف بشری توجه کردند و در فلسفه و اخلاق و منطق تتبعاتی نمودند. به طور کلی تغییرات و تحولاتی کلی که در افکار، سیاست و راه‌های پیشرفت پدید آمد نیازمند شیوه جدید در آموزش و پرورش بیشتر جنبه نظری پیدا کرد. هندسه و رسم جزو برنامه شد. صرف و نحو و معانی و بیان و سخنرانی مورد توجه واقع شد چهار سال که از سن 16 تا 20 صرف تربیت بدنی و نظام می‌شد صرف تحصیل و امور فکری شد.⁴⁰

همان طوری که اشاره شد در عصر پریکلس، تعلیماتی نظری توسعه و تعلیمات عملی را تحت الشعاع قرار می‌دهد. فلاسفه درباره هدف‌ها و روش‌های تعلیم و تربیت بحث می‌کنند، و گفت‌وگویشان در این باره است که آیا معلم باید بیشتر به توسعه فکر شاگردان خود بکوشد، یا بر رشد اخلاقیات‌شان؟

39. صدیق، عیسی، تاریخ فرهنگ اروپا، ص 10.

40. صدیق، عیسی، تاریخ فرهنگ اروپا، ص 12.

قدرت و استعداد کار را در آنان تقویت کند، یا به تعلیم علوم نظری همت گمارد، ولی در اهمیت آموزش و پرورش بین فیلسوفان توافق کامل برقرار است.⁴¹

جنگ‌های پلوپونز که از 431 تا 404 ق.م طول کشید گرچه با کمک ایران به پیروزی اسپارت منجر شد اما باعث خرابی و انحطاط تمام یونان گشت.

ازین به بعد میل به پیشرفت شخصی و برتری فردی که در آموزش و پرورش پدید آمده، و توسط سوفسطاییان تعلیم می‌گردید، جای حرکت به سوی منافع جمعی را در تمام شئون اجتماعی را گرفت. هر کس به فکر سود فردی خود افتاد و خدمت به کشور و دولت تابع منافع شخصی گردید. این امر به دلیل پنداشتن شخص فوق جامعه باعث از بین رفتن اصول اخلاقی و در نتیجه اخلاق خانوادگی و فاسد شدن ارکان دولتی گردید، که سرانجام یونان توسط فیلیپ مقدونی و بعداً در سال 46 (ق.م) تصرف گردید.

سوفسطا در یونانی به معنای دانشمند و خردمند آمده و نامی است که طبقه‌ای از معلمان بر خود می‌نهادند.⁴²

سوفسطاییان بیشتر فکر منافع شخصی و پیشرفت فردی را ترویج می‌کردند آنها مدعی بودند که شاگرد را می‌توان در سخنوری و استدلال چنان پرورش داد که در آن واحد به نفع و ضرر یک موضوع سخن بگویند سوفسطاییان به دلیل مجادله و مغالطه مورد ملامت و مذمت حکمایی مانند سقراط قرار گرفتند. سقراط علیه جنبه‌های صوری و انتقادی و سفسطه کاری آنها به مبارزه برخاست.

سقراط تلاش نمود که مردم را از فکر منافع شخص و خودخواهی منصرف کند و با حقیقت آشنا سازد.

به نظر سقراط و برخلاف دیدگاه سوفسطاییان، هدف آموزش و پرورش این است که به شاگرد یاد دهیم که با به کار انداختن عقل خود به کار نیک پردازند، نه آن که به هر قیمت بر حریف غلبه کند.⁴³

41. تاریخ تمدن یونان باستان، ص 322.

42. تاریخ فرهنگ اروپا، ص 13.

43. پژوهشکده حوزه و دانشگاه، فلسفه تعلیم و تربیت، ص 81.

سقراط خودشناسی را بزرگ‌ترین دانش بشری و اولین وظیفه هر انسانی می‌دانست و سعادت افراد را در سعادت جماعت دانسته، معتقد بود هر کس باید وظیفه خود نسبت به دیگران انجام دهد. به عقیده او آدمی جویای سعادت است و سعادت او بسته به سعادت اجتماع هر کس وقتی سعادت را درک می‌کند که وظایف خویش را نسبت به افراد جامعه نیکو انجام دهد. برای رسیدن به این مقصود و تشخیص نیک از بد انسان باید دانا باشد. بنابراین، اساس رفتار و اخلاق دانش و حکمت است.⁴⁴

بنابه گفته سقراط آموزش و پرورش باید دانش‌هایی که موجب شکوفا شدن قدرت تفکر انسان می‌شود در اختیار او قرار دهد. در نظر او دانشی محترم است که به رفتار و کردار درست بیانجامد. سقراط در سیاست و حکومت معتقد به تزریق و پرورش فکر بود نه قوه‌ای قهریه و زور. روش آموزشی سقراط از راه گفت و شنود بود و هنگامی که در کوچه و خیابان‌ها قدم می‌زد مردم به خصوص جوانان دور او حلقه زده و از سخنان او مطالب را می‌آموختند او مدرسه و آموزش‌گاه نداشت.

افلاطون - حکیم صاحب نام دیگر از آتن و شاگرد سقراط است که به خاطر دلبستگی به فلسفه از سیاست کناره‌گیری کرد.

این دو فیلسوف برای اولین بار در تاریخ تفکر آدمی درباره تربیت و به طور منظم و دقیق به تفکر پرداختند و نظریه‌های را عرضه کردند. افلاطون از خانواده اشرافی بود.

افلاطون معتقد به مدینه فاضله است که توسط انسان کامل یعنی حکیم اداره گردد. و این کار تا حدی به عهده آموزش و پرورش است.

افلاطون در سال 386 ق.م در باغ شخصی خود که (آکادموس) نام داشت، آموزش‌گاهی بر پا نمود و قریب چهل سال در آن به تدریس و تألیف پرداخت آموزش‌گاه مذکور عبارت از جامعه از استاد

44. صدیق، عیسی، تاریخ فرهنگ اروپا، ص 14.

دانشجو بود که مشترکا نماز خانه و کتابخانه و اطاق‌های درسی داشتند. برنامه تدریس شامل فلسفه و ریاضیات و علوم طبیعی بود. و زنان و مردان حق ورود داشتند.⁴⁵

تعالیم و نظریات وی دو مجموعه‌ای از آثار کتبی او که حدود سی ساله است به خصوص دو کتاب «قوانین» و «طبیعت» و «جمهوریت» برجای مانده است.

افلاطون روش آموزش و پرورش آتن را پذیرفته ولی در مواردی بر آن ایراد گرفته است. افلاطون با پیچیدگی و اجبار در آموزش مخالف است. و طرفدار سادگی مطالب آموزش و نیز عدم به کارگیری زور و اجبار در آموزش است. خصوصیات کلی نظام تعلیم افلاطون را می‌توان چنین بر شمرد:

1. مردان و زنان به طور مساوی از موهبت‌های طبیعی بهره‌مند بنابراین باید از آموزش و پرورش بهره‌گیرند.

2. آموزش نظری و عملی باید به هم مربوط باشند. و آموزش و پرورش باید راهنمایی اخلاقی نوجوانان را به عهده گیرد.

3. وظیفه آموزش و پرورش، پرورش قابلیت‌های افراد برای انجام دادن خیر و نیکی است که در وجود آنان به صورت طبیعی به ودیعه نهاده شده است.

4. وابستگی افراد به طبقات است، بدین ترتیب آموزش و پرورش باید موجبات شکوفا شدن کامل شخصیت افراد را فراهم آورد.

ارسطو از شاگردان افلاطون بود. او در سال 355 ق.م مدرسه‌ای به نام لیسه باز نمود و اطلاعات و معلومات زمان خود را ترکیب و تألیف کرد و نخستین حکیمی است که علم و دانش را تنظیم و طبقه‌بندی کرد.

نظریه‌های ارسطو درباره آموزش و پرورش در دو کتاب «اخلاق و سیاست» مندرج است. ارسطو بر عکس افلاطون جامعه را مجموعه‌ای از افراد می‌بیند و بیش از هر چیز به «سعادت فردی» توجه دارد.

45. همان، ص 17.

به نظر او هدف تربیت، نیل به فضیلت است و این ترتیب باید در دولت باشد و جامعه باید به وسیله افراد بافضلیت اداره شود. بنابراین، او به همان نتیجه می‌رسد که افلاطون رسیده است، یعنی برای میل به سعادت، باید عقل را پرورش داد و انسان را برای عضویت در جامعه‌ای مبتنی بر عدل آماده کرد.^{۴۶} ارسطو معتقد است: «هر نوعی از حکومت، اشرافی یا آزادمنش یا مادر شاهی، نوعی خاصی از تربیت را که با خصوصیات آن حکومت مناسبت دارد طلب می‌کند. به عبارت دیگر مردم باید به قالب حکومتی در آیند که بر آنان فرمان می‌راند. بدین ترتیب آموزش و پرورش را باید همواره از وظایف حکومت دانست.» به نظر ارسطو میان اختلافات قومی و قبیله‌ای فقط نظارت دولت بر مدارس می‌تواند وحدت مملکت را حفظ کند. یا مدینه، کثرتی است که باید به وسیله تربیت به وحدت مبدل شود. ارسطو، فضیلت انسان را به دو نوع تقسیم می‌کند: فضیلت کمال و منش و شخصیت که از طریق عادت و خوگیری حاصل می‌شود و فضیلت اختیار و عقل که از طریق آموختن به دست می‌آید. او شرطی اساسی سعادت را زندگی عقلانی می‌داند.^{۴۷}

در حدود سال 350 ق. م سه مرحله در آموزش و پرورش یونان وجود داشت:

1. مرحله اول: دوره ابتدایی که از هفت هشت سالگی و تا سن سیزده سالگی ادامه داشت و شامل خواندن و نوشتن و حساب و آواز بود. متعلم این دوره گراماتیست نام داشت.
2. مرحله دوم: دوره متوسطه که از سیزده تا شانزده سالگی به طول می‌انجامید و برنامه تحصیل عبارت بود از هندسه و رسم و موزیک. بعدها صرف نحن و معانی و بیان بدان افزوده شده و معلم این مدرسه را گراماتیکوس می‌گفتند.
3. مرحله سوم: دوره عالی که از سن شانزده به بعد بود که برنامه اساسی آن شامل فلسفه و ادبیات بود. برای تأمین این تحصیلات در حدود سال دویست قبل میلاد دانشگاه آتن تأسیس که تا قرن ششم میلادی دایر بود.^{۴۸}

46. پژوهشکده حوزه و دانشگاه، فلسفه تعلیم و تربیت، ص 82.

47. الماسی، تاریخ مختصر تحول و تعلیم و تربیت در اسلام و ایران، ص 73.

48. صدیق، عیسی، تاریخ فرهنگ اروپا، ص 12.

دوره دیگر فرهنگ با کشورگشایی اسکندر مقدونی آغاز می گردد. فتوحات اسکندر موجب گردید که مدیترانه شرقی و آسیای غربی در زیر یک پرچم قرار گیرند.

در عقب ارتش اسکندر فیلسوفان، دانشمندان، معماران، هنر پیشگان و بازرگانان یونانی حرکت می کردند و تمدن یونانی را در نقاط مختلف امپراتوری گسترش می دادند.⁴⁹

در این دوره دانشگاه‌های مختلف به وجود آمد مانند دانشگاه پرگام، تارس، رودس و اسکندریه. هر کدام از این مراکز آموزش افراد سرشناسی را تحویل جامعه انسانی داد.

در دانشگاه پرگام جالینوس طبیب کتاب معروف خود را در نیمه قرن دوم میلادی جمع‌آوری کرد که حدود هزار سال کتاب درسی بود.

در دانشگاه رودس خطیبان و سخنوران معروف چون کالیوس، قیصر، سسرون نشو و نما یافتند. اما دانشگاه اسکندریه از همه این دانشگاه‌ها مهم‌تر و معتبرتر بود و حتی دانشگاه آتن را تحت الشعاع قرار داد.

این دانشگاه دارای دو بخش بود:

1. کتابخانه که حدود هفتصد هزار جلد کتاب به زبان‌های عبری، یونانی، مصری، ایرانی و سریانی در آن بود.
 2. موزه که در آن پژوهشگران با خارج دولت به تحقیق و پژوهش می پرداختند.
- در این دانشگاه از ملل مختلف یونانی، رومی، ایرانی و کلیمی تحصیل می کردند اما زبان بیان و آموزش یونانی بود.
- در این دوره مشاهده و آزمایش و تجربه جای تأمل در آثار طبیعی را در نظام آموزش و پرورش گرفت.
- از دانشگاه اسکندریه افراد چون اقلیدس در هندسه، ارشمیدس در فیزیک و مکانیک، اراتستن در جغرافیا، بطلمیوس در هیئت و ده‌ها دانشمند دیگر در رشته‌های مختلف سر بر آوردند.

⁴⁹. همان، ص 18.

روم

از ایلات و طوایف آریایی که در شبه جزیره ایتالیا سکونت داشت یکی از آنها که لاتین نام داشت در نیمه قرن پنجم قبل از میلاد یعنی متقارن با عصر پریکلز تمدن جدیدی به وجود آورد و کم‌کم بر دیگر قبایل مسلط پیدا نمود به طوری که نواحی جنوبی شبه جزیره را که در دست مهاجران یونانی بود و نواحی شمالی را که طایفه گل سکنا داشتند به تصرف در آورد و به سال 201 ق.م. در زیر نفوذ و قدرت آن قرار گرفت.⁵⁰ مرکز این قدرت تازه نفس شهر روم بود.

رومی‌ها در قرن دوم و اول پیش از میلاد امپراتوری خود را توسعه دادند اسپانیا، ایالاتی و یونانی (در سال 146 ق.م) و تمام شمال آفریقا و مصر و آسیای صغیر و گل تا رود آلپ و دانوب به تصرف رومی‌ها در آمد. چندی بعد تمام حوزه مدیترانه به دست روم افتاد و کشتی‌های آنها دریاها را تحت سلطه خود قرار داد.⁵¹

بنابر آنچه ذکر شد تاریخ فرهنگی به خصوص آموزش و پرورش در روم را به دو دوره تقسیم می‌کنیم:

1. قبل از فتح یونان. 2. بعد از فتح یونان.

دوره اول

در این دوره «آموزش و پرورش کاربردی بود و در حقیقت پاسخی بود به تقاضای مبرم زندگی روستایی این آموزش و پرورش را زمینداران روستانشین با نیازهای زندگی و احتیاجات اقتصادی، مدنی و نظامی کشور منطبق ساخته بودند.⁵² سربازان کشاورز، طبقه متوسط جامعه را تشکیل می‌دادند که به کارهای نظیر کشاورزی و کارهای دستی می‌پرداختند.

50. صدیق، عیسی، تاریخ فرهنگ اروپا، ص 23.

51. همان، 28.

52. کاستیل، ای، بی، آموزش و پرورش کهن و نوین، ترجمه مهین میلانی، چاپ دوم، بی‌جا، علمی فرهنگی، 1364، ص 14.

نکته دیگر در جامعه رومی نقش و اهمیت خانواده و پدر و مادر بود «خانواده در ابتدا واحد جامعه روم و پاسدار رسم و آیین نیاکان و کانون همه فعالیت‌های دینی و تربیتی بود پدر درباره سرنوشت نوزاد تصمیم می‌گرفت که او را به صورت برده بفروشد یا براساس سنت مرسوم شورای خانوادگی، پسر خود را به مرگ محکوم کند».^{۵۳}

تا سیصد سال پیش از میلاد در روم آموزش گاه وجود نداشت. کودکان در مزارع و صحرا و اردو هنجارها و ارزش‌های لازم مانند: قناعت، احتیاط، دلاوری، جدیت، وظیفه‌شناسی، پافشاری و ثبات را توسط پند و سرمشق فرا می‌گرفتند.^{۵۴}

پدر خواندن نوشتن حساب و حکایات بزرگان رومی را که به کشور و مردم خدمت کرده بودند به پسر می‌آموخت.

ضمن آن که پدر در خانواده از اختیار کامل برخوردار بود، کودک در هفت سال نخست زندگی‌اش در دامان مادر تربیت می‌شد. چنانچه بعضی گفته‌اند شاید در هیچ تمدنی نقش مادر تربیت فرزند تا این اندازه چشمگیر، عمیق و مداوم نبوده است.^{۵۵}

پسر از هفت سالگی بود که تحت مراقبت و آموزش پدر قرار می‌گرفت^{۵۶} از آن جایی که اساس آموزش و پرورش خانوادگی در روم باستان ایجاد فضایل اخلاقی یعنی عشق به عدالت، مردانگی و ثبات و یکرنگی بود بر خلاف یونان باستان تربیت فرزندان به بردگان واگذار نمی‌شد.

رومیان در شیوه آموزشی خود پیش از اثر‌پذیری از فرهنگ یونان، سعی می‌کردند کودکان خود را برای کار و جنگ و فعالیت‌های مرتبط با وظایف اجتماعی آماده سازند.

دوره دوم: بعد از فتح یونان

مرحله دوم آموزش و پرورش در روم با گسترش قلمرو حاکمیت مردم، خصوصاً بعد از فتح یونان آغاز می‌گردد که در سال (146 ق.م) صورت گرفت.

⁵³. همان، ص 141.

⁵⁴. صدیق، عیسی، تاریخ فرهنگ اروپا، ص 26.

⁵⁵. آموزش و پرورش کهن و نوین، ص 148.

⁵⁶. همان ص 15.

از این به بعد بود که آموزش و پرورش کهن روم پاسخ‌گوی جامعه رومی نبود. رومی‌ها فرهنگ یونانی و شیوه تعلیم و تربیت یونان را اختیار نموده و آن را بسط و گسترش دادند. در آغاز رومی‌ها همان آموزش‌گاه‌های یونان را گشودند و تعلیم و آموزش با زبان یونانی صورت می‌گرفت. بعدها کم‌کم رومی‌ها آموزش‌گاه‌های را به وجود آوردند که آموزش به زبان لاتین صورت می‌گرفت.

آموزش و پرورش در روم یک قرن پیش از میلاد سر و صورت قطعی به خود گرفت. با از میان رفتن جمهوری در سال (3 ق. م) و روی کار آمدن نظام امپراتوری، معلمان و آموزش‌گاه از حمایت‌های امپراتوران برخوردار شدند.

این امپراتوران معلمان را مورد تشویق قرار داده، آموزش‌گاه‌های جدیدی را ایجاد نمودند و در ولایات مختلف روم مدارس عالی تأسیس شد. با حمایت امپراتوران زبان و ادبیات یونان در سراسر امپراتوری روم گسترش یافت.

سازمان آموزش در این دوران به گونه‌ای بود که محصلین در سه مقطع به تحصیل می‌پرداختند.

1. دبستان (لودوس) کودکان هم پسر و هم دختر از سن هفت سالگی حق داشتند در این آموزش‌گاه‌ها تعلیم بینند، اما اکثریت با پسرها بود مطالب که در این آموزش‌گاه و در این مقطع آموزش داده می‌شد، خواندن نوشتن و حساب کردن بود.

هر شاگرد برای خود جزوه نویسی می‌کرد و بدین ترتیب کتابی شکل می‌گرفت این گونه آموزش‌گاه‌ها اول در ایتالیا و سپس در سرتاسر امپراتوری ایجاد گردید. دبستان‌ها کاملاً خصوصی بود و دولت در آن دخالت نداشت.

آموزگاران این آموزش‌گاه از دانش اندک برخوردار بوده و بیشتر از بردگان بودند که دستمزدهای را از شاگردان اخذ می‌کردند.

درین آموزش‌گاه‌ها تنبیه بدنی جزء لزوم آموزش به شمار می‌آمد و از چوب برای این کار استفاده می‌کردند.

2. دبیرستان - نوجوانان دوازده تا شانزده ساله جهت فراگیری صرف و نحو در این آموزش‌گاه‌ها می‌رفتند.

برنامه درسی این آموزش گاه‌ها، ادبیات یونانی و انشا، اخلاق، تاریخ، جغرافیا و کمی هندسه و هیئت بود.

هدف این آموزش گاه‌ها تربیت سخنران و سخنور بود.

3. آموزش گاه‌های سخنرانی: دوره این آموزش گاه‌ها دو سه ساله بود. این آموزش گاه‌ها بالاتر از دبستانی‌ها و دبیرستانی‌ها بود. برنامه این آموزش گاه‌ها تمرین سخنرانی و مناظره بود. مواد درسی آن‌ها ادبیات، کمی ریاضی و طبیعی و فلسفه بود.

در این آموزش گاه‌ها تنها بزرگزادگان و پسران توانگران از شانزده سالگی به بعد به تحصیل می‌پرداختند.

4. تحصیلات عالی: رومی‌هایی که مایل به تحصیلات عالی بودند به آتن و جزیره رودس می‌رفتند، بعدها اسکندریه مورد توجه قرار گرفت.

با تأسیس کتابخانه توسط و سپازین امپراتور دانش دوست روم (69-79 ق. م) دانشگاه روم ایجاد گردید که دارای رشته‌های علمی چون، حقوق، پزشکی، معماری، ریاضی، صرف و نحو و سخنرانی به زبان یونانی و لاتین بود.

آموزش در مصر باستان

کاهنان مصری مقدمات علوم را در مدارس که پیوسته به معابد بود، به فرزندان خانواده‌های ثروتمندی می‌آموختند.

یکی از کاهنان منصبی داشت که می‌توان آن را معادل وزیر آموزش و پرورش امروز دانست؛ او خود را به نام «رئیس طویله شاهی برای تعلیم و تربیت» می‌نامید.⁵⁷

کار آموزگاران در آن زمان عبارت از این بوده است که فیش‌هایی برای دستگاه‌های دولتی تربیت کند با شرح و بسط در اطراف مزایای تعلیم، کودکان را به این کار تشویق می‌کرده‌اند. چنان‌که در یکی از پاپیروس‌ها چنین آمده است: «هیچ چیز گرانبه‌تر از علم نیست.» و یا در پاپیروس دیگر چنین: «هیچ

⁵⁷. ویل دورانت، تاریخ تمدن، ج 1، ص 203.

حرفه ای نیست که آدمی در آن تحت امری دیگری نباشد، تنها مرد عالم است که در تخت حکومت خویشتن است.» دیکته نویسی و رونویسی از متنها یکی از مهم ترین وسایل تعلم بوده است. بیشتر آنچه آموزش می دادند مربوط به مسایل بازرگانی بود؛ زیرا مصریان قدیم بیشتر سودجو و منصب پرست و تاجرپیشه بودند.

چیزی که معلمان بیشتر درباره آن می نوشتند فضیلت و تقوا بود. مسئله اساسی در تعلیم و تربیت حفظ نظم و انضباط بود.

انضباط بسیار سخت و بر پایه ابتدایی و ساده استوار بود. و در این راه شاگردان شکنجه و فشار را تحمل می کردند و آموزش با کتک و چوب همراه بود.

در یکی از نوشته های قدیمی مصر این عبارت بلیع آمده است: «جوانان پشتی دارند، چون این امنیت مضروب شود، به درس توجه می کنند، زیرا که گوش جوانان در پشت آنان قرار دارد.» و در نوشته شاگردی به استاد سابقش چنین آمده: «تو به پشت من کتک زدی، و بدین ترتیب تعلیمات در گوش من فرو رفت»⁵⁸ با این حال، عده زیادی فارغ التحصیلان مدارس پیوسته به معابد و مدارس عالی رتبه به دولت می رفتند.

در این مدارس، که قدیمی ترین مدارس دولتی شناخته شده در تاریخ است، منشی های جوانی آموزش هایی مربوط به امور اداری را فرا می گرفتند.

پس از دوره آموزش جهت تمرین نزد کارمندان مشغول خدمت می شدند و بعد از آن که کار آزموده می شدند به آنها وظیفه ای محول می گردید.

بنابراین، ترتیب مصر و بابل همزمان، قدیمی ترین... سازمان تعلیم و تربیت را که در تاریخ از آن آگاهی دارد برقرار ساخته اند.⁵⁹

محتویات آموزش شامل: مذهب، قوانین و معارف نجومی، ریاضی، مکانیک و پزشکی بود.⁶⁰

58. همان ص 204.

59. همان ص 205.

60. الماسی، تاریخ مختصر تحول و تعلیم و تربیت در اسلام و ایران، ص 64.

هدف از آموزش در مصر آموزش امور دنیوی آمیخته به جنبه‌های دینی بود، نتیجه‌ای که از این نوع آموزش در مصر باستان به دست آمد اطاعت بی چون و چرا و کورکورانه از فرعون‌ها بود.

آموزش در قرون وسطی

قرون وسطی به یک دوره هزار ساله گفته است که از (476) و تا (1453م) ادامه یافت.

درباره این دوره طولانی دو نظر وجود دارد.

1. بعضی از دانشمندان و مورخان (خصوصاً در گذشته) آن را عصر تاریکی و ظلمت و جهالت در اروپا می‌داند که چراغ علم و دانش در اروپا خاموش گردیده و فرهنگ به انحطاط و نیستی دچار شده است.

2. عده دیگر این دوره را به شکل سیاه و تاریک نمی‌بینند بلکه آن را دوره‌ای می‌داند که مقدمه پیشرفت و تمدن اروپایی گردیده و زمینه را برای این تمدن که با شروع رنسانس از قرن پانزدهم میلادی آغاز گردید فراهم آورد.

این دوره هزارساله به عقیده مورخان از سقوط امپراتوری روم غربی در سال (476م) تا سقوط قسطنطنیه مرکز روم شرقی در سال (1453م) توسط ترکان عثمانی را در بر می‌گیرد.

یکی از مسایل مهم در قرون وسطی حضور قبایل وحشی و بربر در اثر تهاجمات که از اوایل قرن دوم میلادی آغاز گردید می‌باشد که در فرهنگ و آموزش در اروپای تأثیر گذاشت.

در قرون نخستین میلادی سراسر کشورهای متمدن روی زمین (غیر از هندوستان و چین) تحت حاکمیت دو دولت بزرگ یعنی ایران و روم بودند. در ایران و کشورهای همسایه ساسانیان حکومت می‌کردند و کشورهای اطراف مدیترانه، تمام کشورهای جنوبی و غربی اروپا و شمال آفریقا و شامات و آسیای صغیر تحت حاکمیت رومیان بودند.

در همین حال در بخش‌های شمال و شرق اروپا و شمال آسیا طوایفی زندگی می‌کردند که زندگی بدوی داشته و دارای تمدن و فرهنگ نبودند که یونانی‌ها و رومی‌ها آنان را بربر و وحشی می‌خواندند.

این طوایف ساکن در اروپا از نژاد سفید آریایی مانند ژرمن و اسلاو و در آسیا نژاد زرد و مغول بودند.

این قبایل وحشی ساکن در این مناطق از همان آغاز تاریخ میلادی قصد مهاجرت و تهاجم به مناطق امپراتوری روم را نهادند.

در چنین وضعیت، امپراتوری روم جهت مقابله با این تهاجمات کشور را بدو بخش تقسیم نمود و دو امپراتوری تشکیل دادند.

امپراتوری روم غربی با مرکزیت شهر قدیمی روم و امپراتوری روم شرقی با مرکزیت شهر جدید قسطنطنیه.⁶¹ این تدبیر نه تنها از تهاجمات قبایل بربر نتوانست جلوگیری کند بلکه باعث تضعیف روم غربی گردید و در مدت زمان طولانی از یک سو سبب انقراض روم غربی گردید و سوی دیگر میان این دو بخش روم اختلافات فرهنگی و زبانی به وجود آورد به گونه‌ای که در غرب زبان لاتین تسلط یافت و در شرق زبان یونانی. تهاجمات قبایل شمال و شرق اروپا به سوی امپراتوری باعث گردید که این قبایل یکی پس دیگری بخشی از خاک امپراتوری را اشغال نموده و در آن ساکن گردند.

چنان‌که ژرمن‌ها در سال 166م تا رود دانوب را اشغال کردند و در سال 275م رومی‌ها ایالت دالسی در جنوب دانوب را به ویزیگت‌ها واگذار کردند.

همین قبایل در سال 378 تحت فشار هون‌ها روم شرقی را مورد تاخت و تاز قرار دادند و با شکست امپراتوری در بالکان ساکن شد و بعداً به رهبری آلاریک یونان را تصرف نموده به طرف غرب پیشروی کرده و در سال 410م شهر روم را غارت کردند.

مهاجرت مهم دیگر که تحت فشار هون‌ها صورت گرفت مهاجرت قبایل واندال‌ها بود که ظرف پنجاه سال از آلمان، فرانسه و اسپانیا گذشته و پس از غارت شهرها از مدیترانه گذشته شمال آفریقا را تصرف کردند و در سال 455م مجدداً از دریا گذشتند و به ایتالیا رفته روم را تصرف و غارت کردند. مهاجرت دیگر این قبایل وحشی مهاجرت انگلوساکسون از دانمارک به جزیره بریتانیا، فرانک‌ها از پایین رود (رن) به گل و اسلاوها به یوگوسلاوی و بلغارستان بود.

یکی از اتفاقات مهم که توسط این قبایل صورت گرفت طغیان سربازانی از قبایل بربر در ارتش روم بود که وقتی به خواسته‌شان جواب رد داده شد، امپراتوری روم غربی را از قدرت خلع نموده یکی از

⁶¹. فروغی، محمدعلی، سیر حکمت در اروپا، تهران، زوار، چاپ پنجم، 1388، ص 101.

ایلخانان‌های قبایل شمالی به نام (اودوواکار) را به جای او منصوب کرد و بدین ترتیب، امپراتوری روم غربی در سال 476 م منقرض شد.⁶²

به سبب هجوم‌های قبایل وحشی، امپراتوری روم به چندین کشور تقسیم شد. وحشیان فقط به رئیس قبیله یا به خانواده خود وفادار بودند. هر گروه از آنان قوانین و عرف خود را محفوظ نگه می‌داشتند. در نتیجه دولت مرکزی مقتدر روم و حکومت‌های محلی رومی از میان رفت.

در امپراتوری روم، قوانین منظم از شهروندان حمایت می‌کرد، و آنان از امنیت و اطمینان ناشی از نظم و قانون برخوردار بودند. خرافات وحشیان جانشین بسیاری از قوانین رومی شد.

هجوم قبایل وحشی، همچنین قسمت عمده بازرگانی اروپایی را که رومیان دایر کرده بودند از میان برد. دیگر کمتر کسی از شبکه وسیع جاده‌های رومی، که شهرهای بزرگ امپراتوری را به یکدیگر می‌پیوست، استفاده می‌کرد. چون تجارت از میان رفت، پول نیز به کلی منسوخ شد. مردم مجبور بودند وسایل معیشت خود را از زمین به دست آورند.⁶³

در این دوره تعلیم و تربیت و فعالیت‌های فرهنگی تقریباً فراموش و تقریباً همه مدارس بسته شد. معدود بودند مردمی که می‌توانستند زبان لاتینی را، که زبان تحصیل‌کردگان بود، بخوانند و بنویسند، عدّه کسانی که که از بازمانده معارف یونانی و رومی باخبر بودند هم کمتر بود. ادبیات، معماری، نقاشی و حجاری ادوار گذشته فراموش شد.

کلیسای مسیحی و آموزش

در اوایل قرون وسطی تنها نیروی تمدن بخش کلیسای مسیحی بود، که مردم را رهبری می‌کرد، و راویای غربی را از جهل مطلق رهایی بخشید.

پس از آنکه قدرت امپراتوری روم، از میان رفت، پاپ‌ها و اسقف و دیگر پیشوایان کلیسا بسیاری از وظایف دولت را بر عهده گرفتند، گرفتن مالیات و اداره محاکمه برای مجازات تبهکاران با ایشان بود. و نیز ابنیه‌ای کلیسایی به عنوان بیمارستان و مسافرخانه مورد استفاده قرار گرفت.

62. صدیق، عیسی، تاریخ فرهنگ اروپا، ص 17.

63. مصاحب، غلامحسین، دایرة المعارف فارسی، ص 2037.

کلیساهای جامع و دیرها در اوایل قرون وسطی به صورت مراکز تعلیم و تربیت در آمده. راهبان بعضی از دیرها و کشیشان کلیساها مایه دوام خواندن و نوشتن زبان لاتینی و برجای ماندن بسیاری از نسخه های خطی قدیمی بودند. بسیاری از مدارس به وسیله آنان تأسیس شد.⁶⁴

کلیسا یا سازمان کلیسایی در تمام قرون وسطی بزرگ ترین نقش و نفوذ را در آموزش و پرورش داشت، زیرا از یک سو دین مسیح دین رسمی امپراتوری بود و از سوی دیگر این نهاد مذهبی دارای یک تشکیلات متمرکز و منسجم بود.

بعد از بسته شدن مدارس غیر مسیحی توسط ژوستینیان در سال 529م آموزش گاه های دینی بی رقیب ماند.

از میان مدارس دینی آموزش گاه های رهبانان یا خانقاه ها رشد بیشتر یافته و اهمیت زیاد پیدا نمود. خانقاه ها از قرن چهارم میلادی در امپراتوری روم شکل گرفت و گسترش یافت.

بر اساس ماده 48 آیین نامه که بندیکت وضع کرده بود، رهبانان باید روزی دو ساعت قرائت و مطالعه کنند. به همین دلیل خانقاه ها شروع به گردآوری کتاب های خطی نمودند و بدین ترتیب کتابخانه های به وجود آمد که بعضی دارای چند صد جلد کتاب بود.

به دلیل نیاز رهبانان یا شاگردان آموزش گاه های رهبانی به خواندن و مطالعه استنساخ کتاب های خطی مانند انجیل، تورات، تفسیر و دعا و کتاب های ادبی رایج شد به این ترتیب ضمن جلوگیری ذخایر علمی و ادبی از نابودی باعث گسترش دانش گردیدند.

برنامه آموزش در این آموزش گاه ها در آغاز مقدمات و شامل خواندن نوشتن و محاسبه عیدهای دینی بود. اما از قرن ششم به بعد مواد هفتگانه معروف یعنی: صرف و نحو، فن خطابه، منطق، حساب، هندسه، موزیک و هیئت موادی بود که دانش آموزان فرا می گرفتند.

روش آموزش یادداشت برداری پرسش ها و پاسخ های بود که شاگردان عیناً آنها را باید حفظ می کردند.

خانقاه ها گرچه با علوم و ادبیات یونان و روم مخالفت می کردند ولی منشأ خدمات زیادی شدند.⁶⁵

64. همان، ص 2038.

65. صدیق، عیسی، تاریخ فرهنگ اروپا، ص 56.

در قرون وسطا میانی تعلیم و تربیت افراد عادی و اشراف زادگان تفاوت وجود داشت. به بعضی از جوانان متوسط و فقیر ممکن بود تعلیماتی مترادف با تعلیم و تربیت دبستانی، زیر نظر کشیش مدرسه داده شود، یا اگر بخت با آنها یار بود می توانستند در یک مدرسه کلیسایی که به افراد عادی آموزش می داد درس بخوانند.

اما فرزندان اشراف جور دیگری آموزش می دیدند اشراف زادگان که از قرن سیزدهم به بعد از آموزش و پرورش بهره مند می شدند. این آموزش شامل مدرسه رفتن نبود. به فرزندان اشراف در ابتدای کودکی یاد می دادند که به کلیسا احترام بگذارند و در مراسم تشریفاتی کلیسایی مرتب شرکت کنند.

آنها مدتی کوتاهی به مدرسه محلی می رفتند تا خواندن و نوشتن و مقداری حساب را جهت محاسبه مال التجاره و هزینه های که بعدها باید می پرداختند را فرا گیرند. و نیز بتوانند قصه های رایج را بخوانند مانند اسکندر کبیر و...

مهم ترین درس برای آنها شمشیربازی بود و نیز چگونگی کار با سگ و باز و شیوه نگهداری از آنها. همچنین شطرنج بازی، چنگ نوازی و آواز خواندن به آنها آموزش داده می شد. هدف از این گونه آموزش ها آماده کردن کودک برای زندگی فئودال بود. جدی ترین و مهم ترین بخش تربیت این افراد از پانزده سالگی شروع می شد.

در این زمان او در خانه مرد دیگر که بزرگ ترین شخصیت مجاور یا یکی از دوستان پدرش بود فرستاده می شد.

در این دوره که جوان خارج از خانه خود به سر می برد: «مجبور بود که شمشیر و نیزه و سپر استاد خود را حمل کند و در جنگ ها و مسابقات جنگی همراه او برود. به این جوان جوشن و اسلحه داده می شد و او مجبور بود که ضمن سواری از یک نیزه بلند و سنگین استفاده کند. وی مانند مستخدمی یک لرد بود و هر صبح در لباس پوشیدن به او کمک می نمود و بهترین اسب او را تیمار می کرد. او همچنین باید به خدمت در سر ناهار توجه به مهمان و اطمینان از بسته بودن دروازه ها در شب ها نیز می پرداخت.

او باید آداب معاشرت را که رفتار مودبانه با بانوان بود را باید می آموخت. او همچنین در صورت عدم حضور مرد با همسر و دختر لرد باید در سفر همراهی می کرد و گاهی برای بانوان قصر آواز می خواند. هدف از همه این آموزش ساختن یک شوالیه از جوانان اشراف بود.⁶⁶

آموزش در عربستان عصر جاهلی

مطالعات تاریخی در مورد عربستان قبل از بعثت نشانگر آنست که این مردم دارای زندگی صحرائنشین و کوچ نشین بوده اند. نظام سیاسی اجتماعی این سرزمین مبتنی بر ارزش های قومی و عصبیت های قبیله بوده است. در این منطقه هیچ گونه نظام آموزشی وجود نداشته و از افراد با سواد و عالم که آشنا به کتابت و اندیشه باشد خبری نبوده است و تعدادی افرادی که خواندن و نوشتن بدانند خیلی ناچیز بوده است.

کتابت که تنها وسیله ذخیره تمدن و دانش بشری و انتقال آن به نسل های بعد باشد در این سرزمین وجود نداشته است.

دانش های «چون نسب شناسی، کف شناسی، رد شناسی، کمی ستاره شناسی و...» تنها از طریق نقل سینه به سینه به نسل بعد منتقل می شد.

بهترین اثر که از عرب جاهلی به جامانده و بیانگر تمام اوضاع و احوال این سرزمین می باشد اشعار عرب جاهلی است.

شعر عرب جاهلی از عشق شراب، شکار، جنگ، هجو و ذم اشخاص و قبایل، غزل های هیجان انگیز دوران جوانی، مذمت زنان و نظایر آنها آکنده است: در حالی که در آن، از افکار و اندیشه های نشأت گرفته از دین و اصول انسانی هیچ نشانی به چشم نمی خورد. البته استثنائاً نوشته های مانند معلقات سبع هم به چشم می خورد (جرجی زیدان).

به دلیل گرمای طاقت فرسای بیابان های عربستان و خشک و بی آب و علف بودن آن هیچ حکومت و کشوری برای به دست آوردن آن بدان جا یورش نبوده و آن را تصرف نمی کردند. این امر خود باعث می گردید سرزمین حجاز با ملل متمدن همجوار مانند ایران و روم ارتباط نداشته باشد. و خود در فضای

⁶⁶ ن . برایت، تاریخ قرون وسطی، ص 107 تا 109، ترجمه اسماعیل دولتشاهی، انتشارات تربیت معلم، تیر 1354.

به دور از این گونه دغدغه‌ها به زندگی طاقت فرسای بدوی ادامه دهند و در عوض دست به جنگ‌های درونی، قومی و قبیله‌ای زنند.

ملتی دست به تلاش و ترقی می‌زنند که برای بقای خود از یک سو و برای غلبه بر دیگران از سوی دیگر نیاز به امکانات و فضاهای فکری و جغرافیای بیشتر را احساس می‌کنند و برای این امر دست به کوشش بیشتری در ابعاد مختلف فرهنگی، نظامی، اجتماعی، آموزش و... می‌زنند که نتیجه آن به وجود آمدن اندیشه جدید و فرهنگ جدید خواهد بود که نیاز به آموزش را به دنبال دارد.

اما عربستان قبل از بعثت هیچ‌گاه به دنبال چنین تصمیمات نبوده و هیچ‌گاه یک حاکمیت متمرکز و مقتدر را تشکیل ندادند و هیچ نظام آموزشی را در خود ندیده بود بلکه در هاله از جهل و نادانی و بی‌سوادی بسر می‌بردند.

آنچه از بررسی جایگاه و تاریخچه آموزش در تمدن‌های گذشته استنباط می‌گردد به طور خلاصه می‌توان به چند نکته اشاره کرد:

1. آموزش در گذشته عمومی و فراگیر نبوده و گروه عظیم مردم از سواد بی‌بهره بوده‌اند.
2. فراگیری علم و دانش منحصر به قشر خاصی از جامعه، مانند شاهزادگان، درباریان و اشراف‌زادگان بوده و توده مردم از فراگیری دانش محروم بوده‌اند.
3. آموزش محدود به سن خاصی بوده و فراگیران تا سنین خاص و محدود به تعلیم و آموزش می‌پرداختند.
4. آموزش از نظر جنسی نیز دچار تبعیض و محدودیت بوده است، بیشتر پسران جهت آموزش و فراگیری دانش و فنون مختلف مشغول تحصیل می‌شدند و دختران جزء در برخی موارد از آموزش محروم بودند.
5. تعلیم و تربیت در جامعه از جایگاه واقعی خود به دور مانده و چندان بدان توجه نمی‌گردیده است.
6. در بعضی جوامع مانند روم، معلمان از هیچ شأن و منزلتی برخوردار نبود و آموزگاران بیشتر از پیش به پایین جامعه مانند بردگان انتخاب می‌شدند.

اما با بعثت پیامبر اسلام(ص) شالوده و اساس همه این محدودیت‌ها و انحصارات فرو ریخت و آموزش حق همگانی اعلام گردید. پیامبر(ص) فراگیری علم و دانش را برای همه فرض قرا داد و فرمود: «طلب العلم فريضة على كل مسلم و مسلمة» با این شعار کلیه انحصارات آموزش و کسب معرفت را که محدود به قشر خاص و یا جنس خاصی می‌گردید درهم شکسته شد و تعلیم و تربیت فراگیر و عمومی گردید.

محدودیت‌ها و محظوریت‌های زمانی نیز با جمله «اطلبوا العلم من المهد الى اللحد» ز گهواره تا گور دانش بجوی، دچار دگرگونی گردید و معلم و آموزگار نیز در جایگاه واقعی خویش قرار گرفت «العلماء ورثة الانبياء».

بدین گونه جامعه اسلامی با تمام وجود به سوی آموزش و فراگیری دانش و معرفت هجوم برده و تمدن درخشانی را پی‌ریزی کردند.

گفتار دوم: آموزش در ادیان

آموزش در آیین زرتشت

درباره شخصیت زرتشت، زمان و مکان پیدایش او اسناد و مدارک قابل اعتنای وجود ندارد. بعضی او را پیامبری از پیامبران الهی می‌دانند و برخی آن را مورد شک و تردید قرار داده‌اند. از زمان و مکان پیدایش او نیز اطلاع دقیقی به دست نیامده است. گرچه برای او را اهل تبریز می‌دانند که بعدها به بلخ مهاجرت نموده است. اما آنچه مهم است این است که او آموزگاری بوده است که آموزه‌هایش بر سه اصل پندار مهم است این است که او آموزگاری بوده است که آموزه‌هایش بر سه پندار نیک، گفتار نیک و رفتار نیک استوار است. آموزش در آیین زرتشت دارای اهمیت بوده است.

در یسنا فقره 29 بند 8 آمده است: «زرتشت آموزگار راستی بوده و اندیشه راستی را در جهان منتشر ساخت از این رو بود که به او گفتار دلپذیر داده شد.»

«ظاهراً از دورانی هخامنشیان یعنی قرن ششم قبل از میلاد (550 ق.م بیشتر مردم ایران باستان پیرو آیین زرتشت بودند.»⁶⁷

مهم ترین هدف از آموزش و پرورش در ایران باستان تربیت افراد متعهد برای جامعه، و آراستن آنها به اخلاق نیک بوده است. سن تحصیل در اوستا از هفت سالگی شروع می گردد و تا 15 سالگی می باشد. پندنامه زرتشت، پدر و مادر را مسئول تربیت فرزندان شناخته است و از کارهای نیکی که طفل انجام می دهد اولیای او را بهره مند دانسته است. در این صورت چنانچه پدر و مادر در پرورش و آموزشی کودک غفلت کنند از عواقب زشت او برخوردار خواهد شد.⁶⁸ آموزگاران بهترین واسطه برای انتقال فرهنگ و دانش گذشتگان به نسل های بعد بودند.

معلمان و آموزگاران از طبقات مهم اجتماعی بودند ولی جامعه طبقاتی بود، آموزگاران آموزشگاه های درباری از میان شاهزادگان استناداران و آموزگاران دیگر از میان روحانیان برگزیده می شدند. در اوستا مقام معلم بسیار ارجمند ذکر شده است و زرتشت را معلم راستین نامیدند.⁶⁹ با توجه به مطالب ذکر شده چنین استنباط می شود که آموزش و فراگیری در آیین زرتشت نیز دارای اهمیت والا بوده و ارزش فراوان داشته است. زیرا هیچ آیین نمی تواند اهداف و معارف خود را به دیگران منتقل کند و یا آن را گسترش دهند مگر با آموزش و تعلیم.

آموزش در یهود

آموزش و پرورش در میان یهودیان در آغاز به صورت عملی و شفاهی صورت می گرفت و عقاید، ادب و مناسک سینه به سینه انتقال می یافت. در عهد عتیق و جدید جز یک مورد که اشاره به مدرسه یونانی دارد واژه به معنای مدرسه به کار نرفته است. به عقیده برخی از مورخان قوم یهود پس از اسارت و تبعید به بابل 588 ق.م به فکر آموزش عقاید خود افتادند. به این شکل که یهودی ها برای اجرای

67. تاریخ تعلیم و تربیت درجهان.

68. الماسی، تاریخ آموزش و پرورش اسلام و ایران، ص 72.

69. تاریخ تعلیم و تربیت جهان، ص 79.

مناسک دینی گرد هم می آمدند و کاهنان که اولین آموزگاران دینی بودند آیین موسی (ع) را به آنها آموزش می دادند و به این شکل کنیسه صورت پذیرفت.

این مراکز بعد از تبعید؛ در اورشلیم نیز برپا گردید که به آموزش عقاید و مراسم به بزرگسالان می پرداخت و با گذشت زمان به سنین پایین تر نیز گسترش داده شد.^{۷۰}

خانواده، پدر و مادر حرمت فراوان داشتند، پدر علاوه بر ارشدیت خانواده نخستین معلم بود که وظیفه آموزش افراد خانواده را به عهده داشت و برای چندین قرن آموزش فرزندان توسط پدر انجام می گرفت. انبیای بنی اسرائیل نیز همواره در آموزش کودکان تأکید می کردند و منظور از تعلیم و تربیت را آگاهی طفل به قوانین مذهبی و پیروی از آن می شمردند. با گسترش آموزش در میان سنین پایین تر به تدریج مدارس ابتدایی و به خصوص در دوره رونق کشاورزی و تجارت، تأسیس گردید. در حدود یک صد سال قبل از میلاد مسیح در کنار هر کنیسه یهودی، مدرسه ای برای آموزش کودکان ساخته شده بود و در سال 64 قبل از میلاد یوشع بن جمال خاخام اعظم یهود دستور داد در هر دهکده یک دبستان تأسیس شود و همه پسران از شش سال به بالا مجبور به حضور در مدرسه باشند و دختران در خانه تحت تعلیم قرار گیرند.^{۷۱}

صاحب نظران موضوعات آموزش این مدارس را آموزش زبان عبری و تورات دانسته اند اما برخی دیگر معتقدند که خواندن و نوشتن حساب و تاریخ قوم بنی اسرائیل و سرودهای دینی و قوانین سفرهای پنج گانه و قسمتی از کتاب تلمود نیز در آنها آموزش داده می شد.

تجویز تنبیه بدنی مانند چوب زدن، بی توجهی به تعلیم دختران، سخت گیری بیش از حد در تربیت، قدرت و نفوذ زیاد خانواده به ویژه پدر در پرورش فرزند را می توان از ویژگی های آموزش در یهود دانست. با همه این مسائل آنها توانستند با آموزش و تربیت فرهنگ خود را در طول حیات یهود حفظ نمایند و حتی بر فرهنگ دیگر ملل نیز تأثیر بگذارند.

70. پژوهشکده حوزه و دانشگاه، درآمدی بر تعلیم و تربیت، ج 1، ص

71. الماسی، محمدعلی، تاریخ آموزش و پرورش، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ هفتم، 1384، ص 152.

آموزش در مسیحیت

اسناد و مدارک روشن از رویدادهای دوران نخست مسیحیت در دست نیست. منابع اندکی در مورد عیسی (ع) در ادبیات قرون بعد موجود است که سندیت آنها قابل ابهام است. اما آنچه مسلم است عیسی (ع) یک پیامبر بود که دین الهی را به مردم آموزش می داد. او یک معلم بود که در میان مردم قدم می زد و گروهی از مردان و زنان با او همراه بودند و آموزه‌های او را فرا می گرفتند و او به سؤالات آنان پاسخ می داد. پیروان او بیشتر از قشر پایین جامعه بودند و برای مردم به اندازه فهم و درکشان سخن می گفت. او در کنیسه، خیابان‌ها و خانه‌های افراد فرصت می یافت که تدریس کند. عیسی (ع) از خدا، انسان، وظیفه، فداکاری، فقر و غنا و پاداش و تنبیه سخن به میان می آورد.

آنچه امروزه در میان مسیحیان بیشتر مطرح است آموزه‌های اخلاقی مسیح است. بعد از وفات عیسی (ع) پیروانش منتظر رجعت او برای برپایی حکومت و ادامه آن بودند. خانه اولین نهاد آموزش تربیتی و والدین نخستین آموزگاران در مسیحیت بودند. مسیحیان اولیه که تحت حاکمیت حکومت ملحد روم زندگی می کردند نمی دانستند که فرزندان خود را در مدارس رسمی دولتی یا کنیسه‌های که خاخام‌های یهودی آموزش می دادند بفرستند یا مدارس بنا کنند که بر اساس آیین جدید خودشان باشد. برای حل این مشکل کلیسای قدیم تعهد کرد که مدارسی را برای فرزندان مسیحیان تدارک بینند. در کلیسای اولیه، عالی‌ترین مراجع روحانی، پیامبران و معلمان بودند که با اقتدار نصیحت می کردند، نقل و قول می نمودند و می آموختند، مردم نیز آموزش می دیدند.⁷²

پیروان آیین مسیح با آموزه‌های رومی و یونانی میانه خوبی نداشتند و از آن متنفر بودند، زیرا آموزه‌های فلسفی یونانی و رومی محصول عقل بشر بود و انسان مسیحی باید از آن دوری کند. اما با ظهور افرادی چون آگوستین (345 - 430) یک سازگاری میان اندیشه مسیحی و علوم و آموزه‌های یونانی به وجود آمد و کوشش کرد تا تلفیق میان علوم و معارف یونانی با دریافت مسیحی ایجاد کند.

⁷² . منسوب بصیری، محمود، تاریخ تعلیم و تربیت جهان، تهران، انتشارات ارغنون، چاپ اول، 1383، 203.

آگوستین استفاده از دستاوردهای علمی فرهنگی یونان و روم را به شرط آن که موجب ضلالت و گمراهی مسیحی مؤمن نشود جایز دانسته حتی فراگیری آن دسته از علوم و معارف را که باعث درک بهتر انسان از کتاب مقدس باشد، ضروری شمرده است. البته از نظر او اولویت با علوم دینی است و سایر علوم ابزاری برای درک بهتر آیین مسیح که از نظر او یک فلسفه کامل است، می باشد.^{۷۳} آرا و اندیشه‌های او سازمان‌های آموزش مغرب‌زمین را شدیداً تحت تأثیر قرار داد که دامنه آن تا امروز ادامه دارد. با رسمی شدن آیین مسیحیت در اروپا نظام کلیسا با الگوبرداری از روم دارای تشکیلات مستقل گردید. کلیساها و صومعه‌های متعدد ساخته شد که یکی از وظایف آنها مسئله آموزش و تربیت بود.

این فصل دارای دو گفتار، گفتار اول: اهمیت و تاریخچه آموزش در تمدن‌ها؛ گفتار دوم: آموزش در ادیان، می باشد:

آموزش در اسلام و قرآن کریم

آموزش و پرورش در اسلام و قرآن کریم از اهمیت والایی برخوردار است. عالمان در این کتاب مقدس دارای جایگاه بزرگ و ارجمندی می باشند.

در اهمیت تعلیم و تربیت از دیدگاه قرآن کریم همین مقدار بس که از خداوند بزرگ هزاران مرتبه به کلمه «رب» و صدها مرتبه با تعبیر «عالم و علیم» یاد شده است خداوند کریم اولین آیات را که بر پیامبر اسلام (ص) نازل فرمودند و ایشان را به رسالت مبعوث کردند، سخن از خواندن «اقراء» تربیت «ربک» و تعلیم «الذی علم بالقلم» راند و پیامبر (ص) را امر به خواندن نمود.

«بخوان به نام پروردگارت که آفریننده عالم، آن خدایی که آدمی را از خون بسته آفرید، بخوان قرآن را و (بدان) که پروردگار تو کریم‌ترین کریمان عالم است، آن خدایی که بشر را علم نوشتن به قلم آموخت، به آدم آنچه را که نمی دانست به الهام خود تعلیم داد.»^{۷۴}

73. فلسفه تعلیم و تربیت، ج 1، ص 178.

74. علق / 1 - 5.

اولین آموزگار

قرآن کریم خداوند بزرگ را اولین معلم و آموزگار انسان دانسته است و در این آیات از سوره علق صریحاً می‌فرماید: «به انسان چیزی که نمی‌دانست آموخت همین‌گونه در سوره الرحمن آمده است: «خدای که قرآن را آموخت و انسان را آفرید و به او تعلیم نطق و بیان فرمود.»^{۷۵}

در این آیات نیز خداوند به عنوان آموزگار انسان و پیامبر(ص) بیان گردیده است.

قرآن کریم وقتی که داستان آفرینش حضرت آدم را می‌آورد خداوند را اولین آموزگار انسان معرفی می‌نماید که به آدم اسمای الهی را یاد داد. «و خدای عالم همه اسمها را به آدم تعلیم داد آنگاه حقایق آن اسمها را در نظر فرشتگان پدید آورد و فرمود: اگر شما در دعوی خود صاد قید اسمها اینان را بیان کنید...»^{۷۶} و انسان به خاطر همین دانشی که خداوند به او آموخت مسجود ملائکه گردید.

سوگند به قلم

قرآن کریم به امر آموزش آن قدر اهمیت و ارزش داده است که در سوره مبارکه قلم، به قلم و آنچه می‌نویسد سوگند یاد می‌کند.

آموزش سرلوحه برنامه انبیا

قرآن کریم فلسفه وجودی ادیان آسمانی و رسالت انبیا را تعلیم و تربیت می‌داند و می‌فرماید: «کَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِنْكُمْ يَتْلُوا عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ»^{۷۷} چنان که در میان شما رسولی از خودتان فرستادیم که آیات ما را برای شما بخواند و شما را تزکیه کند و کتاب و حکمت بیاموزد و آنچه را نمی‌دانستید به شما تعلیم دهد.»

در آیه دیگر آمده است: «لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ»^{۷۸} یقیناً خدا بر مؤمنان

⁷⁵ . الرحمن / 2 - 4

⁷⁶ . بقره / 31

⁷⁷ . بقره / 151

⁷⁸ . آل عمران / 164

مَنْت نهاد که در میان آنان پیامبری از خودشان برانگیخت که آیات او را بر آنان می خواند و [از آلودگی های فکری و روحی] پاکشان می کند، و کتاب و حکمت به آنان می آموزد، و به راستی که آنان پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند.»

«هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ»⁷⁹ اوست که در میان مردم بی سواد، پیامبری از خودشان برانگیخت تا آیات او را بر آنان بخواند و آنان را [از آلودگی های فکری و روحی] پاکشان کند و به آنان کتاب و حکمت بیاموزد، و آنان به یقین پیش از این در گمراهی آشکاری بودند.»

در این آیات به طور صریح علت بعثت انبیا را تعلیم و تربیت جامعه انسانی می داند و انبیا می آیند تا به مردم راه و رسم زندگی را تعلیم دهد و آنها را با آموزش شیوه و روش درست زیستن، به فطرت انسانی و الهی شان باز گردانند، بعد از آن که از آن فاصله گرفته و در منجلاب گمراهی و جهل گیر افتاده اند.

حضرت موسی (ع) و فراگیری دانش

حتی انبیای الهی نیز گاهی جهت فرا گرفتن دانش امر به مسافرت گردیده اند چنان که خداوند به حضرت موسی (ع) دستور داد تا برای کسب علم و دانش اندوزی عازمی سفری علمی گردد.

«در آن جا بنده از بندگان خاص ما را (که جویای او بودند) یافتند که او را رحمت و لطف خاص عطا کردیم و هم از نزد خود وی را علم لدنی و اسرار غیب الهی خاصی بیاموختیم، موسی به آن شخص دانا گفت: آیا اگر من تبعیت و خدمت تو کنم از علم خود مرا خواهی آموخت.»⁸⁰ در این داستان که از آیه 65 سوره کهف تا 85 آمده است، چند نکته بیان گردیده است:

اول این که خداوند به عنوان معلم آن شخص که موسی (ع) به دنبال او بود بیان گردیده است. دوم این که همه انسان ها حتی انبیا برای کسب دانش و فراگیری حکمت تلاش کنند. سوم این که در این آیات

79. جمعه / 2.

80. کهف / 65 - 66.

آداب استاد و شاگردی بیان گردیده است. پرهیز شاگرد از سؤالات بی مورد و گذشت استاد از خطاهای شاگرد.

انبیا در دو نقش

آنچه از آیات قرآن کریم بر می آید این است که پیامبران دارای دو نقش هستند یکی نقش فراگیر و آموزنده چنان که در داستان حضرت آدم و داستان حضرت موسی(ع) و در سوره الرحمن این نقش به چشم می خورد که خداوند آموزگار و انسانها و پیامبران فراگیر و تحت تعلیم هستند دیگری نقش آموزگار و معلم جامعه بشری چنان که در آیات مربوط به ارسال انبیا و رسولان آمده است که پیامبران برای تعلیم و تربیت انسانها آمده اند.

قرآن کریم به مقام والای عالم و دانشمند اشاره نموده و تنها عالمان را اهل تعقل و تفکر در آیات خداوند می داند و در جای دیگر آنها را تنها افراد خاشع و خاضع در برابر قدرت و عظمت الهی دانسته اند.

خداوند عظیم در قرآن کریم ضمن انکار برابری مقام عالم و جاهل سؤالی را مطرح می کند که به معنای گرفتن اقرار از نابرابر بودن شأن و منزلت این دو فرد است «آیا آنهایی که می دانند با آنهایی که نمی دانند برابرند.»

خداوند متعال دانشمندان را در کنار نام خود و فرشتگان آسمانی خویش یاد کرده و آنان را با چنین افتخاری، سرافراز فرموده است.

«شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُوا الْعِلْمِ»⁸¹ خداوند به یگانگی خود گواهی می دهد و

نیز فرشتگان و دانشمندان گواه اند که جز خداوند معبودی دیگری نیست.

در آیه دیگر خداوند دانشمندان را بعد از خود قرار داده اند و فرموده است: «وما يعلم تأويله الا الله و الراسخون في العلم»⁸² تأویل و ارجاع صحیح و تشخیص هدف و منظور آیات متشابه آن را جز خداوند متعال و دانشمندان ژرف نگر و نافذ علم نمی دانند.

81. آل عمران/ 16.

82. آل عمران/ 17.

در جای دیگر علما و دانشمندان به عنوان شاهد و گواه بر نبوت حضرت پیامبر معرفی گردیده‌اند. «قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيداً بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ؛^{۸۳} بگو؛ خداوند و کسانی که از علم و آگاهی نسبت به کتاب آسمانی برخوردارند به عنوان گواه میان من و شما کافی و بسنده است.» پیامبر بزرگوار اسلام با آن که خود از بینش کافی در علم و حکمت و جهان بینی عمیق و شناخت کامل برخوردار و بهره مند بود باز هم خداوند متعال به او دستور می دهد که «قل ربی زدنی علماً؛^{۸۴} بگو پروردگارا بر مراتب دانش و بینشم بیفزای.»

⁸³ . رعد / 43.

⁸⁴ . طه / 114.